



زیارت عاشورا منشور فکری عاشوراییان است. بررسی فرازهای زیارت عاشورا فرصتی به دست می‌دهد تا شعارهای عاشورا بهتر و عمیق‌تر شناخته شود. چه اینکه شیعه، عاشورا را هرگز یک درگیری نظامی نمی‌پندارند بلکه آن را مکتبی بزرگ، و لحظه لحظه‌ی رویدادهای آن را حاوی پیامی ارزنده می‌انگارد.

این کتاب در بردارنده‌ی ده موضوع برگرفته از فرازهای بلند زیارت عاشورا است که به تفکیک موضوعات، با آیات، روایات و سیره‌ی معصومان (علیهم‌السلام) شرح شده است.



دفتر نشر: ۰۲۵-۲۷۷۸۱۲۲۲

فروش تهران: ۰۲۱ ۷۵۹ ۵۲۸۸

فروش مشهد: ۰۵۱ ۷۵۲ ۲۰۲۱

www.baharnashr.ir



فرازهای عاشورا

شرح فرازهایی از زیارت عاشورا

ابوالفضل هادی منش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بَارِئِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
بَارِئِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
بَارِئِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
بَارِئِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
بَارِئِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
بَارِئِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
بَارِئِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
بَارِئِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
بَارِئِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ



السلام عليك يا ابا عبد الله الحسين



فرازهای عاشورا

شرح فرازهایی از زیارت عاشورا

ناشر: بهار دلها
 مؤلف: ابوالفضل هادی منش
 مدیر هنری: ابوالفضل رنجبران
 صفحه آرای: حسین نرگسی
 چاپخانه: کوثر
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲
 تیراژ: ۵۰۰۰ جلد
 قیمت: ۲۲۰۰ تومان

دفتر رقم: ۰۲۵-۳۷۷۶۱۳۶۲
 ۰۹۱۲۷۵۳۳۰۴۱ • ۰۹۱۲۷۵۹۵۲۸۸
www.baharnashr.ir



عنوان فرارذادی	عنوان و نام پدیدآور
فرازهای عاشورا، شرح فرازهایی از زیارت عاشورا	فرازهای عاشورا، شرح فرازهایی از زیارت عاشورا
مشخصات نشر:	مشخصات ظاهری:
فروست:	شابک:
وضعیت فهرست نویسی:	پادداشت:
موضوع:	شماره افزوده:
رده بندی کنگره:	رده بندی دیوبند:
شماره کتابشناسی ملی:	



هیچ وقت نباید امت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی، ماجرای عاشورا را به عنوان یک درس، به عنوان یک عبرت، به عنوان یک پرچم هدایت از نظر دور بدارد. قطعاً اسلام، زنده‌ی به عاشورا و به حسین بن علی علیه السلام است.

بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۱/۹/۱





پیشکش:
 بزرگ آموزگار عزت، آزادگی و افتخار،
امام حسین علیہ السلام
 و تقدیم بہ:



فہرست

دیباچہ..... ۹

فراز اول: سلام

نام خدا..... ۱۱

آداب و شرایط سلام کردن..... ۱۲

آثار و فوائد سلام..... ۱۴

آداب جواب سلام دادن..... ۱۴

پاداش سلام و مصافحہ..... ۱۵

فراز دوم: لعن و نفرین

ماہیت لعن..... ۱۷

آثار و پیامدہای لعن بدون دلیل..... ۱۷

ملعونان..... ۱۸

شایستگی لعن بر دشمنان خدا و اہل بیت علیہم السلام..... ۲۱

فراز سوم: دوستی با اہل بیت علیہم السلام

آثار دوستی با اہل بیت علیہم السلام..... ۲۳



فراز چهارم: دشمنی با اهل بیت علیهم السلام

۱. بدتر از شرابخواری..... ۲۹
۲. نطفه‌ی ناپاک ۲۹
- پیامد دنیایی و اخروی دشمنی با اهل بیت علیهم السلام ۳۰
- پیامد دوستی با دشمنان خدا..... ۳۱
- نتیجه‌ی دوستی با منحرفان ۳۳

فراز پنجم: تقرب و توسل

- مقربان کیانند؟..... ۳۵
- بعضی از عوامل تقرب به خدا..... ۳۶
- توسل به قرآن و اهل بیت علیهم السلام ۳۸

فراز ششم: حیات طیبه

- درخواست حیات طیبه ۴۱
- برخی عوامل مؤثر در دستیابی به حیات طیبه ۴۲
- صفات دارندگان حیات طیبه ۴۳

فراز هفتم: زیارت

- سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله ۴۵
- آثار زیارت قبور..... ۴۵
- آثار زیارت امام حسین علیه السلام ۴۷
- ارزش حائر حسینی علیه السلام نزد اهل بیت علیهم السلام ۴۸
- ادب زیارت امام حسین علیه السلام ۵۰

فراز هشتم: صبر بر مصیبت

- آثار صبر بر مصیبت..... ۵۱
- ضرورت دوری از بی‌صبری ۵۳

پاداش گریه و جزع بر مصائب سیدالشهداء علیهم السلام ۵۴

فراز نهم: بدعت‌گذاری در دین

- ماهیت بدعت گزاران ۵۷
- پیامد بدعت‌گذاری در دین ۵۸
- سه نمونه از بدعت گزاران..... ۵۹
- بدعت بنی‌امیه در روز عاشورا..... ۶۰

فراز دهم: شفاعت

- شفیعیان کیانند؟..... ۶۳
- شرایط شفاعت ۶۴
- محرومین از شفاعت..... ۶۵
- شیعه، سرمست از باده‌ی شفاعت ۶۶
- فاطمه علیها السلام شفیعه روز جزا..... ۶۷



مفتاح جنان زیارت عاشورا است
روشن‌گر جان زیارت عاشورا است
چیزی که کند خلق جهان را بیدار
از خواب گران زیارت عاشورا است

ویاچه

عاشورا، چکیده‌ی معارف شیعه است. تاریخ اسلام، این نام بلند را، فقط صفحه‌ای در تقویم نمی‌انگارد. عاشورا، نامی در میان تقویم روزها نیست و ساحت آن، فقط خلاصه در سرزمین کربلا و روز دهم محرم سال شصت و یک هجری نمی‌شود. عاشورا، فراتر از یک نام و یک یاد و یک روز است؛ بلکه پهنه‌ی آن، گستره‌ی تاریخ بشر را درنوردیده و انسان را از فروبستگی و سرخوردگی نجات داده است.

عاشورا، رمز عزت و افتخار یک ملت است. عاشورا، نامی بلند است به بلندای تاریخ بشر. عاشورا، نامی است که زمزمه‌ی عارفان خداجو بوده است؛ نامی که رمز پیروزی جهادگران راه خدا بوده است؛ نامی که دستاویز ستم‌دیدگان و مظلومان بوده است؛ نامی که زمزمه‌ی

مقاومت بر تحمل سنگینی و فشار ظلم مستکبران و زورگویان عالم بوده است. عاشورا، سرمه‌ی چشم منتظران ظهور است. شیعه، دو بال سرخ و سبز دارد: عاشورا و انتظار. پس، عاشورا بال پرواز است در آسمان عزت و سربلندی، هم در دنیا و هم در آخرت. عاشورا، رمز پیروزی یک ملت است؛ فریاد بلند آزادگی است. آن هم نه فقط برای یک مسلمان، برای بشر، برای بشریت. بشری که دست نیاز به سوی شاخسار آزادی و آزادگی بلند داشته و زندگی همراه با ذلت و زبونی و ذللی را نپسندیده است.

زیارت عاشورا، منشور فکری عاشوراییان است. بررسی فرازهای زیارت عاشورا فرصتی به دست می‌دهد تا شعارهای عاشورا بهتر و عمیق‌تر شناخته شود. چه اینکه شیعه عاشورا را هرگز یک درگیری نظامی نمی‌پندارند بلکه آن را مکتبی بزرگ و فرهنگی سترگ می‌انگارد و لحظه لحظه‌ی رویدادهای آن را حاوی پیامی ارزنده می‌داند.

این کتاب، در بردارنده‌ی ده موضوع برگرفته از فرازهای بلند زیارت عاشورا است که به تفکیک موضوعات، تنظیم و به وسیله‌ی آیات، روایات و سیره شرح شده است.

بمنه و کرمه

قم المقدسه - ابو الفضل هادی منش

عید فطر سال ۱۴۳۴ - مرداد ۹۲

hadimanesh1@gmail.com

فراز اول: سلام

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ...»
سلام بر تو ای ابا عبدالله! سلام بر تو ای فرزندان رسول خدا! سلام بر تو ای فرزندان امیرالمؤمنین...

نام خدا

۱. قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ السَّلَامَ أَسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى فَأَفْشُوهُ بَيْنَكُمْ»؛ به درستی که سلام نامی از نام‌های پروردگار بزرگ است، پس آن را بین خود گسترش دهید».

۲. قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِّنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ»؛ «اوست خدایی که جز او معبودی نیست، همان فرمانروای پاک سلامت [بخش و] مؤمن [به حقیقت حق‌هی خود که] نگهبان، عزیز، جبار [و] متکبر [است]. پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می‌گردانند».

۱. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۲.

۲. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۲۳.

۳. در زیارتنامه‌ی مخصوص حضرت سیدالشهداء آمده است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ»؛ پروردگارا! تو سلام (= آرامش بخش) هستی و سلام (= آرامش) از جانب توست و به سوی تو نیز باز می‌گردد».

آداب و شرایط سلام کردن

۱. سلام پیش از کلام

قال رسول الله ﷺ: «مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تُجِيبُوهُ وَقَالَ لَا تُدْعُ إِلَيَّ طَعَامِكَ أَحَدًا حَتَّى يُسَلَّمَ»؛ هر کس سخن [خود] را پیش از سلام کردن آغاز نمود، پاسخش را ندهید و همچنین فرمود: کسی را بر [خوردن] غذای خود فراخوان مگر اینکه سلام کند».

قال الحسين بن علي ﷺ: «لَا تَأْذَنُوا لِأَحَدٍ حَتَّى يُسَلَّمَ»؛ به احدی اجازه ندهید مگر اینکه سلام کند».

۲. افشاء سلام

قال الباقر ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِطْعَامَ الطَّعَامِ وَإِفْشَاءَ السَّلَامِ»؛ به درستی که پروردگار غذا دادن [به دیگران] و انتشار دادن سلام را دوست می‌دارد».

عن رسول الله ﷺ: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ أَخْلَاقِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ ﷺ: إِفْشَاءُ السَّلَامِ فِي الْعَالَمِ»؛ آیا شما را از برترین اخلاق اهل دنیا و آخرت باخبر نسازم؟ پاسخ گفتند: بلی ای رسول خدا ﷺ! فرمود: انتشار سلام در جهان».

۱. مصباح الزائر، ص ۱۱۹.

۳. تحف العقول، ص ۲۴۶.

۵. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۲.

۲. الخصال، ص ۱۹.

۴. المحاسن، ج ۲، ص ۱۲۳.

۳. ابتداء به سلام

قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ مَنْ بَدَأَ بِالسَّلَامِ»؛ به درستی که سزاورترین مردم در نزد خدا و رسولش ﷺ کسی است که ابتدا به سلام کند».

قال أمير المؤمنين ﷺ: «لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً تَشْعُرُ وَ سِتُونَ لِمُبْتَدِيٍّ وَ وَاحِدَةٌ لِلرَّادِ»؛ برای سلام هفتاد ثواب است که شصت و نه ثواب آن برای کسی است که سلام کند و یک ثواب برای کسی است که پاسخ سلام را می‌دهد».

۴. سلام هنگام ورود

خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً»؛^۳ «پس چون به خانه‌هایی وارد شدید به یکدیگر سلام کنید؛ درودی که از نزد خدا مبارک و خوش است».

قال الباقر ﷺ: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ بَيْتًا فَإِنْ كَانَ فِيهِ أَحَدٌ يُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ أَحَدٌ فَلْيَقُلْ السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا يَقُولُ اللَّهُ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً»؛^۴ هرگاه کسی از شما وارد خانه‌ای شود، اگر کسی در آن بود به آنها سلام می‌کند و اگر کسی در آن نبود پس باید بگوید سلام بر ما از جانب پروردگار ما. خداوند می‌فرماید درودی که از نزد خدا مبارک و خوش است».

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۱.

۳. سوره‌ی نوره، آیه‌ی ۶۱.

۴. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۶.

۵. سلام کوچکتر به بزرگتر

قال رسول الله ﷺ: «يُسَلِّمُ الصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ وَالنَّارُ عَلَى الْقَاعِدِ وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ»^۱ کوچکتر باید به بزرگتر سلام کند و رهگذر بر کسی که نشسته و گروه کم بر گروه زیاد».

آثار و فواید سلام

۱. آمرزش و مغفرت الهی

قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ مِنْ مُوجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ بَذْلُ السَّلَامِ»^۲ به درستی که از عوامل آمرزش گناهان سلام کردن است».

۲. خیر و برکت خانه

قال رسول الله ﷺ: «أَفْشَى السَّلَامِ يَكْتُمُ خَيْرُ بَيْتِكَ»^۳ سلام را انتشار ده خیر و برکت خانهات زیاد می شود».

۳. انس با فرشتگان

قال رسول الله ﷺ: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بَيْتَهُ فَلْيُسَلِّمْ فَإِنَّهُ يُنَزِّلُهُ الْمَلَائِكَةُ»^۴ هر گاه یکی از شما وارد خانه اش شود پس باید سلام کند، پس به درستی که سلام برکت را به خانه اش نازل می کند و فرشتگان را با او مانوس می گرداند».

آداب جواب سلام دادن

سلمان فارسی می گوید مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: «السلام عليك يا رسول الله!» پیامبر اکرم ﷺ پاسخ داد: «وَعَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ» پس از چند لحظه مرد دیگری آمد و گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ» پیامبر

۲. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۱.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۷۳.

۴. همان، ص ۷.

۳. همان، ص ۵.

اکرم پاسخ گفت: «وَعَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» مدتی گذشت و مرد دیگری هم از راه رسید و به پیامبر ﷺ گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» اما پیامبر اکرم ﷺ فقط در پاسخ او فرمود: «وَعَلَيْكَ» مردی که از ابتدا در حضور رسول خدا ﷺ نشسته بود و نحوه‌ی سلام کردن افراد و پاسخ دادن رسول خدا ﷺ را زیر نظر داشت گفت: ای رسول خدا ﷺ! پدر و مادرم فدای تو شوند! اولی و دومی که به شما سلام کردند شما پاسخ آنها را بهتر از سلام شان دادید اما پاسخ مرد سومی را که سلامش از همه کامل تر بود بسیار کوتاه رد نمودید. دلیل آن چه بود؟ پیامبر اکرم ﷺ تبسمی کرد و فرمود: برای اینکه او دیگر چیزی برای ما باقی نگذاشت که پاسخش را بهتر بگویم. زیرا خداوند متعال می فرماید: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا»؛ و چون به شما درود گفته شد شما به [صورتی] بهتر از آن درود بگویید».^۱ من نیز در پاسخش تنها گفتم عليك.^۲

پاداش سلام و مصافحه

ابو عبیده می گوید در سفری من با امام باقر ﷺ همسفر بودم و هر دو در یک کجاوه بودیم. هنگام سوار شدن، ابتدا من سوار می شدم و سپس ایشان سوار می شدند. هنگامی که امام سوار می شد به من سلام می کرد و احوالپرسی می نمود به گونه‌ای که گویا مدت هاست مرا ندیده است. هنگام پیاده شدن امام زودتر از من پیاده می شد و وقتی من نیز پیاده می شدم، امام دوباره به من سلام می کرد و احوالپرسی گرمی می نمود که گویا مدت هاست مرا ندیده و خبری از من نداشته. من گفتم: ای فرزند رسول خدا! شما کاری می کنید که دوستان ما نمی کنند و اگر یکبار هم

۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۸۶.

۲. تفسیر الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۸۸.

چنین کنند زیاد است. امام پاسخ داد: مگر تو نمی دانی وقتی دو مؤمن به هم سلام می کنند و دست می دهند گناهان آنان پیوسته تا هنگامی که از هم جدا شوند می ریزد.^۱

فراز دوم: لعن و نفرین

«وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً آسَسَتْ الظُّلْمَ وَالْجَوْرَ عَلَيْكُمْ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ...»
و خدا لعنت کند امتی که اساس ظلم و ستم را بر شما اهل بیت بنیان نهادند و خدا لعنت کند امتی را که شما را از مقامتان دور کردند.

ماهیت لعن

ماهیت لعن، دور کردن از رحمت خدا است. عن رسول الله ﷺ قال: «إِنِّي لَمْ أُبْعَثْ لِعَانًا وَإِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً؛ به درستی که من لعن کننده (دور کننده از رحمت) مبعوث نشده‌ام، بلکه من بر رحمت برانگیخته شده‌ام».

آثار و پیامدهای لعن بدون دلیل

۱. سلب حق شفاعت و شهادت

قال رسول الله ﷺ: «لَا يَكُونُ اللَّعَانُونَ شُفَعَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ آنان که بسیار لعن و نفرین می کنند از شفاعت کنندگان و شاهدان روز قیامت نمی شوند».

۱. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، علاء الدین المتقی بن حسام الدین الهندی، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ ه.ق، ح ۸۱۷۶
۲. همان، ح ۸۱۷۹

۲. بازگشت لعن به لعن کننده

قال الباقر عليه السلام: «إِنَّ اللَّعْنَةَ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ صَاحِبِهَا تَرَدَّدَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الَّذِي يَلْعَنُ فَإِنْ وَجَدَتْ مَسَاغًا وَإِلَّا عَادَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَكَانَ أَحَقَّ بِهَا فَاخْذَرُوا أَنْ يَلْعَنُوا مُؤْمِنًا فَيَجِلُّ بِكُمْ»؛ به درستی که لعنت وقتی از لعنت کننده صادر شود بین او و کسی که لعنت شده تردد می کند، پس اگر راهی یافت [که هیچ] و گرنه به سوی صاحب خود (لعنت کننده) باز می گردد، در حالی که خود او سزاوارتر به آن است. پس، از نفرین کردن مؤمن بپرهیزید که بر شما حلال شود (خود سزاوار آن شوید).

عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «لَمَّا لَعَنَ رَجُلٌ نَاقَتَهُ وَهُوَ يَسِيرُ مَعَهَا قَالَ صلى الله عليه وآله أَخْرَاهَا عَنَّا فَقَدِ اسْتُجِيبَ لَكَ»؛ هنگامی که مردی شتر خود را نفرین کرد در حالی که با آن می رفت، رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: او را از ما عقب بینداز، پس به تحقیق برای تو به اجابت رسید.

ملعونان

۱. کافران

«إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكُفْرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا»؛ «به درستی که خداوند، کافران را لعنت کرده و برای آنها آتش فروزانی آماده کرده است».

۲. آزار رسانندگان به خدا و رسول

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا»؛ «کسانی که خدا و رسولش را آزار می دهند، مشمول لعنت خدا در دنیا و آخرت هستند و عذاب خوارکننده ای برای آنها مهیا کرده است».

۳. منافقان در امر به معروف و نهی از منکر

قال امير المؤمنين عليه السلام: «لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ الشَّارِكِينَ لَهُ وَ الشَّاهِقِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ»؛ خداوند لعنت کند کسانی را که امر به معروف می کنند و خود آن را ترک می نمایند و نهی کنندگان از منکر را که خود به منکر عمل می نمایند.

۴. قطع رحم کنندگان

«قَهْلٌ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ»؛ «اگر از دستورهای الهی رویگردان شوید جز این انتظار نمی رود که در زمین فساد کرده و پیوند خانوادگی تان را قطع کنید. آنها کسانی هستند که خداوند لعنت شان کرده و گوش های شان را کر و چشمانشان را کور ساخته است».

۵. عمل کنندگان به عمل قوم لوط

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَمِلَ عَمَلَ قَوْمِ لُوطٍ»؛ خداوند لعنت کند کسی را که عمل قوم لوط را انجام دهد.

۶. تأخیر اندازان نماز

عن حجة بن الحسن عليه السلام أنه قال: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ صَلَاةَ الْغَدَاةِ حَتَّى تَنْقَضِيَ النُّجُومُ وَمَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ صَلَاةَ الْعِشَاءِ حَتَّى تَشْتَبِكَ النُّجُومُ»؛ ملعون است ملعون است کسی که نماز صبح را تا رفتن ستاره ها به تأخیر اندازد و ملعون است ملعون است کسی که نماز عشاء را تا پدیدار شدن همه ی ستاره ها به تأخیر اندازد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹.

۲. سوره ی محمد، آیه ی ۲۲ و ۲۳.

۳. مسند احمد بن حنبل، امام احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی تا، حدیث ۲۸۱۷.

۴. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۲۰.

۲. کنز العمال، ح ۸۱۹۵.

۱. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۰۸.

۴. سوره ی احزاب، آیه ی ۵۷.

۳. سوره ی احزاب، آیه ی ۶۴.

قال رسول الله ﷺ: «لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ وَالْمَأْشِيَّ بَيْنَهُمَا»^۱ خداوند لعنت کند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و کسی که بین آنها ارتباط برقرار سازد».

۸. آزار دهنده والدین

قال الصادق ﷺ: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَرَبَ وَالِدَهُ أَوْ وَالِدَتَهُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ عَقَّ وَالِدَيْهِ»^۲ ملعون است ملعون است کسی که پدر یا مادرش را کتک بزند. ملعون است ملعون است کسی که پدر و مادرش را بیازارد».

۹. پوشندهی لباس زن

«لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ»^۳ رسول خدا ﷺ نفرین کرد مردی را که لباس زن بپوشد».

۱۰. رباخواران

«لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَكِلَ الرِّبَا وَمُوكَلَّهُ وَشَاهِدِيهِ وَكَاتِبِيهِ»^۴ رسول خدا ﷺ رباخوار و وکیل و دو شاهد و نویسندهی آن را لعن نمود».

۱۱. روی گردانندگان از پدر و مادر، به هم زندگان رابطه زناشویی و سخن چینیان

قال رسول الله ﷺ: «ثَلَاثَةٌ لَعَنَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى رَجُلٌ رَغِبَ عَنِ وَالِدَيْهِ وَرَجُلٌ سَعَى بَيْنَ رَجُلٍ وَامْرَأَةٍ يَفْرَقُ بَيْنَهُمَا يُخْلِفُ عَلَيْهَا مِنْ بَعْدِهِ وَرَجُلٌ سَعَى بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْأَخَادِيثِ لِيَتَّبِعُوا وَيَتَخَسَدُوا»^۵ سه کس را پروردگار بزرگ لعنت کرده است: کسی که از پدر و مادر خویش روی گرداند، کسی که سعی کند بین

۱. کنز العمال، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲. کنز العمال، ج ۲، ص ۴۳۳۶.

۳. همان، ج ۱۰۴، ص ۲۷۴.

۴. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۰۹۸.

۵. همان، ج ۴۳۹۳۰.

مرد و زنی جدایی بیندازد و زن دیگری را بعد از آن جایگزین آن زن کند و کسی که با سخنانی بین مؤمنین، تلاش کند تا آنها را به کینه و حسد نسبت به هم وادارد».

شایستگی لعن بر دشمنان خدا و اهل بیت

روزی پیرزنی نزد امام صادق ﷺ آمد در حالی که دو لباس بافته شده از پشم را در دست گرفته بود. به امام سلام کرد و عرض نمود: «ای فرزند رسول خدا! این دو لباس را من با دست خویش بافته‌ام؛ اما یکی از این دو را در حالی بافتم که هر رشته را با سلام و درود بر خاندان پیامبر اکرم ﷺ گره زده‌ام و در دیگری هر رشته را با لعن و نفرین نسبت به دشمنان شما بافته‌ام. اکنون هر دو را خدمت شما آورده‌ام. کدام یک از این دو لباس نزد شما محبوبتر است؟ امام صادق ﷺ فرمود: آن لباسی را که با لعن و نفرین نسبت به دشمنان ما بافته‌ای»^۱.

پس از صلح امام مجتبی ﷺ روزی معاویه در مدینه بالای منبر رفت و در حضور مردم شروع کرد از امیرالمؤمنین ﷺ بد گفتن. او گفت: «ای مردم! علی ﷺ کیست و پسر او چکاره است تا خلافت کند». در این میان امام مجتبی ﷺ وارد مسجد شد. امام رو به حاضران کرد و پس از سپاس و ستایش خداوند فرمود: «پروردگار بلند مرتبه و سترگ هیچ پیامبری را بر نیانگیخت مگر اینکه برای او دشمنی از ستمکاران و گناه پیشگان قرار داد. من پسر علی ﷺ هستم و تو پسر صخر هستی. مادر تو هند است و مادر من فاطمه ﷺ. جدهی تو قتیله است و جدهی من خدیجه ﷺ. حال خداوند لعنت کند هر یک از ما دو نفر را که حسبی پایین تر و یادی فرو

افتاده‌تر و کفری بیشتر و نفاقی شدیدتر دارد». مردم که در مسجد جمع شده بودند یکصدا گفتند: «آمین آمین». معاویه سرافکننده خطبه خود را قطع کرد و شرمگین از منبر پایین آمد و از مسجد بیرون رفت.^۱

فراز سوم: دوستی با اهل بیت علیهم‌السلام

«إِنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلَكَمْ وَ حَزْبٍ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ
وَلِيٍّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٍّ لِمَنْ غَادَاكُمْ...»
من با هر کس که با شما در صلح است دوستم و
با هر کس که با شما در جنگ است دشمنم و
من با دوستان شما دوست هستم و با دشمنان
شما، دشمن هستم.

آثار دوستی با اهل بیت علیهم‌السلام

۱. امان از آتش جهنم

قال رسول الله ﷺ: «وَلَا يَتِي وَ لَا يَتِي أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ مِنَ النَّارِ؛^۱ دوستی با من و
خاندان من امان از آتش است.»

۲. برتر از عبادت یک سال

قال رسول الله ﷺ: «حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ يَوْمًا خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ؛^۲ یک روز دوستی
خاندان پیامبر ﷺ برتر از عبادت یک سال است.»

۳. پاک شدن گناهان

«قال الصادق ﷺ: «إِنَّ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَحُطُّ الذُّنُوبَ عَنِ الْعِبَادِ كَمَا تَحُطُّ
الرِّيحُ الشَّدِيدَةُ الْوَرَقَ عَنِ الشَّجَرِ؛^۳ به درستی که دوستی ما اهل بیت گناهان

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۸۸

۲. كشف الغممة، ج ۱، ص ۱۳۷؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۰۳

۳. نواب الاعمال، ص ۲۲۳

۱. الغدير، ج ۱۰، ص ۱۶۰؛ مقاتل الطالبیین، ص ۷۰

بندگان را می‌ریزد؛ همان گونه که باد شدید برگ را از درخت جدا می‌کند».

۴. اجر عظیم

قال الصادق عليه السلام: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَحَقَّقَ حُبَّنَا فِي قَلْبِهِ جَرَى يَنْابِيعَ الْحِكْمَةِ عَلَى لِسَانِهِ وَجُدَّ الْإِيمَانَ فِي قَلْبِهِ وَجُدَّ لَهُ عَمَلٌ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَ سَبْعِينَ صِدِّيقًا وَ سَبْعِينَ شَهِيدًا وَ عَمَلٌ سَبْعِينَ عَابِدًا عَبْدَ اللَّهِ سَبْعِينَ سَنَةً؛^۱ هر کس ما اهل بیت را دوست داشته باشد و دوستی ما را در دلش محقق نماید، چشمه‌های حکمت بر زبانش جاری می‌شود و ایمان در قلبش تجدید می‌شود و ثواب عمل هفتاد پیامبر و هفتاد راستگو و هفتاد شهید و هفتاد عابد که هفتاد سال عبادت کرده برای او نوشته می‌شود».

۵. سود دنیا و آخرت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مَنْ أَرَادَ التَّوَكُّلَ عَلَى اللَّهِ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجُو مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَ مَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَ مَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُ مَا أَحَبَّهُمْ أَحَدٌ إِلَّا رُبِحَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛^۲ هر کس توکل بر خدا را می‌خواهد باید اهل بیت مرا دوست بدارد. و هر کس نجات از عذاب قبر را می‌خواهد پس باید اهل بیت مرا دوست بدارد. و هر کس حکمت می‌خواهد پس باید اهل بیت مرا دوست بدارد. هر کس وارد شدن بدون حساب در بهشت را می‌خواهد باید اهل بیت مرا دوست بدارد. پس به خدا سوگند احدی به آنها مهر نمی‌ورزد مگر اینکه در دنیا و آخرت سود می‌کند».

۶. بهره‌مندی از شفاعت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الزُّمُّوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ يَوَدُّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا؛^۱ پیوسته با دوستی ما اهل بیت همراه باشید. پس به دوستی که هر کس روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که ما را دوست دارد، با شفاعت ما وارد بهشت می‌شود».

۷. آسانی عبور از پل صراط

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أَثْبِتْكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِي وَ لِأَهْلِ بَيْتِي؛^۲ ثابت قدم‌ترین شما بر پل صراط، کسی است که ثابت‌ترین دوستی را نسبت به من و خاندان من دارد».

حکم بن عتیبه می‌گوید: روزی در خدمت امام باقر عليه السلام بودیم در حالی که خانه امام آکنده از شیعیان و دوستانشان بود. در این میان پیرمردی کمر خمیده، عصا زنان وارد شد و ابتدا به امام باقر عليه السلام سلام نمود و صبر کرد تا امام جواب سلام او را بدهد. سپس رو کرد به حاضران و به آنان نیز سلام نمود. جمعیت نیز جواب سلام او را داد و آن‌گاه رو به امام کرد و گفت: «ای فرزند رسول خدا صلى الله عليه وآله فدایت شوم، مرا نزدیک خود جای دهید تا سخن شما را بهتر بشنوم. سپس نزد امام رفت و عرض کرد: به خدا سوگند! من شما را دوست دارم و دوستانان شما را نیز دوست دارم و به خدا سوگند! شما را و دوستانانتان را به خاطر مطامع دنیایی دوست ندارم و به خدا سوگند! دشمن شما را دشمن می‌دارم و از او بیزار می‌جویم و به خدا سوگند! به خاطر دشمنی و کینه خود با او دشمن نیستم و از او برائت نمی‌جویم. و به خدا سوگند! حلال شما را

حلال می شمارم و حرام شما را حرام می دانم و منتظر امر شما هستم. پس [با این وصف] آیا امیدی در من می بینید؟ خدا مرا فدای شما کند!»
 امام با تبسمی به او فرمود: «جلوتر بیا! جلوتر بیا» و آن قدر او را نزدیک خود فرا خواند که در کنار امام نشست. امام به او فرمود: «روزی شخصی همین سؤال را که تو پرسیدی، از پدرم علی بن الحسین علیه السلام پرسید. پدرم به او پاسخ داد: اگر تو با همین عقیده از دنیا بروی، آن هنگام که مرگ تو در رسد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، حسن علیه السلام، و حسین علیه السلام و علی بن الحسین علیه السلام بر بالین تو حاضر می شوند و قلبت آرام می گیرد و چشمت روشن می شود و روح و ریحان همراه با کرام الکاتبین به استقبال تو خواهند آمد. این زمانی است که جان به سینه ات برسد. و بعد از مرگ نیز لطفی از خدا خواهی دید که چشمت به آن روشن می شود و روز قیامت نیز در کنار ما خواهی بود».

پیرمرد که از سخنان امام سخت شگفت زده شده بود عرض کرد: «آیا می شود یک بار دیگر سخن خود را تکرار کنید؟» امام با حوصله سخن خود را تکرار کرد و پیرمرد از فرط خوشحالی گفت: «الله اکبر! آیا به راستی این منم که مشمول این الطاف می شوم؟» آن گاه صیحه ای زد و بر زمین افتاد.

حاضران فریاد کشیدند و به سوی او دویدند و وی را از زمین بلند کردند. امام نیز جلو آمد و با دست خود اشک از چشمان پیرمرد پاک کرد. پیرمرد دست امام را گرفت و بر چشم و صورت خود کشید. سپس لباسش را کنار زد و دو دست امام را بر سینه خود کشید و از جایش برخاست و خداحافظی کرد و از مجلس بیرون رفت. حاضران همچنان

می گریستند. امام از پشت سر نگاهی به او کردند و فرمودند: «هر کس می خواهد مردی از اهل بهشت را ببیند، به این مرد نگاه کند.» و من تا بدان روز مجلسی را چنین حسرت زده ندیده بودم.^۱

۱. الکافی، ج ۸، ص ۷۶، حدیث ۳۰.

فراز چهارم: دشمنی با اهل بیت علیهم السلام

«إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلْتَكُمْ وَ حَزَبٍ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ
وَلِيِّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٍّ لِمَنْ عَادَاكُمْ...»
من با هر کس که با شما در صلح است دوستم و
با هر کس که با شما در جنگ است دشمنم و
من با دوستان شما دوست هستم و با دشمنان
شما، دشمن هستم.

۱. بدتر از شرابخواری

قال الصادق عليه السلام: «الشَّارِبُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَتَنٍ وَ النَّاصِبُ لَيْلٍ مُّحَمَّدٍ شَرُّ مِثْلِهِ؛
شرابخوار مانند بت پرست است و دشمن خاندان پیامبر ص از او بدتر
است.»

۲. نطفه‌ی ناپاک

عن امير المؤمنين عن رسول الله ص انه قال: «مَنْ لَمْ يُحِبَّ عِثْرَتِي فَهُوَ لَا يَحْدِي
ثَلَاثَ إِثْمَاتٍ مُنَافِقٌ وَ إِثْمَا زَنِيَّةٌ وَ إِثْمَا أُمُّهُ حَمَلَتْ بِهِ فِي غَيْرِ طَهْرٍ؛^۲ هر کس خاندان مرا
دوست نداشته باشد، پس او یکی از این سه نفر است: یا منافق است و یا
زنازاده است و یا مادرش در غیر از ایام پاکی (حیض) او را باردار شده
است.»

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۵۵۹
۲. الفصول المهمة، ص ۵۰۰

۱. سخت جان دادن

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُفَارِقُ رُوحُ جَسَدٍ صَاحِبِهَا حَتَّىٰ يَأْكُلَ مِنْ ثَمَرِ الْجَنَّةِ أَوْ مِنْ شَجَرِ الزَّقُومِ وَ حَتَّىٰ يَرَىٰ مَلَكَ الْمَوْتِ وَ يَرَاهِ وَ يَرَىٰ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّنَا قُلْتُ يَا مَلَكَ الْمَوْتِ إِرْفُقْ بِهِ فَإِنَّهُ كَانَ يُحِبُّنِي وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنْ كَانَ يُبْغِضُنِي وَ يُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِي قُلْتُ يَا مَلَكَ الْمَوْتِ شَدِّدْ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ كَانَ يُبْغِضُنِي وَ يُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِي لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ لَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مُنَافِقٌ شَقِيٌّ؛^۱ سوگند به کسی که جانم به دست اوست، روح از بدن کسی جدا نمی شود مگر اینکه از میوهی بهشت بخورد یا از درخت زقوم [جهنم] و مگر اینکه ملک الموت را می بیند و من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را دیدار می کند. پس اگر ما را دوست داشته باشد، من می گویم ای ملک الموت با او مدارا کن، به درستی که او من و خاندانم را دوست می دارد. و اگر من و عترتم را دوست نداشته باشد، می گویم ای ملک الموت بر او سخت بگیر، به درستی که او با من و خاندانم دشمن است. ما را دوست ندارد مگر مؤمن و با ما دشمن نیست مگر منافق بدبخت».

۲. یهودی محشور شدن

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا [قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ] قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ صَامَ وَ صَلَّى وَ زَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ قَالَ صلى الله عليه وآله وَإِنْ صَامَ وَ صَلَّى وَ زَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ؛^۲ ای مردم! هر کس با ما اهل بیت دشمنی کند، خداوند روز قیامت او را یهودی برمی انگیزد. [جابر بن عبدالله انصاری می گوید:] گفتم ای رسول خدا! اگر چه روزه

۱. مقتل الحسين للخوارزمي، ج ۱، ص ۱۰۹. ۲. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۸.

گرفته باشد و نماز خوانده باشد و خیال کند که مسلمان است؟ فرمود: حتی اگر روزه بگیرد و نماز بخواند و خیال کند که مسلمان است».

۳. عدم قبولی عبادات

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَفَنَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ فَصَلَّى وَ صَامَ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ وَ هُوَ مُبْغِضٌ لِأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ دَخَلَ النَّارَ؛^۱ اگر کسی در بین رکن و مقام ماندگار شود و به نماز بایستد و روزه بگیرد، سپس در حالی خدا را ملاقات کند که دشمن خاندان محمد صلى الله عليه وآله است، وارد جهنم می شود».

پیامد دوستی با دشمنان خدا

۱. مغضوب خدا

قال الباقر عليه السلام: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُحِبُّكَ وَ إِذَا كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُبْغِضُكَ وَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ؛^۲ هرگاه خواستی بدانی که آیا در تو خوبی ای هست یا نه، پس به قلبت نگاه کن. اگر اهل فرمانبرداری خدا را دوست دارد و گناهکاران را دوست ندارد، پس در تو خوبی هست و خدا نیز تو را دوست می دارد. ولی اگر فرمانبرداران خدا را دوست ندارد و گناهکاران را دوست دارد، بدان در تو خیری نیست و خدا نیز تو را دوست ندارد و انسان با کسی است که دوست دارد».

۲. محشور شدن با آنان

قال امير المؤمنين عليه السلام: «إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ يُحِبُّ أَعْدَاءَ اللَّهِ أَوْ تُصَفَى وَ دَكَ لِيَغِيْرَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَإِنَّ مِنْ أَحَبِّ قَوْمًا خَيْرٌ مَعَهُمْ؛^۳ از اینکه با دشمنان خدا دوستی کنی و یا دوستی

۱. الغدير، ج ۱۰، ص ۲۸۰.

۲. غرر الحکم، ص ۱۵۳.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۹۶.

خود را بر غیر اولیای خدا خالص گردانی بپرهیز. پس به درستی که هر کس قومی را دوست داشته باشد با آنان محشور می شود».

۳. بازخواست شدید بدون در نظر گرفتن عبادات

قال الله تعالى الى موسى عليه السلام: «هَلْ عَمِلْتَ لِي عَمَلًا قَطُّ قَالَ صَلَّيْتُ لَكَ وَصُمْتُ لَكَ وَتَصَدَّقْتُ لَكَ وَذَكَرْتُ لَكَ قَالَ اللهُ تَعَالَى وَ أَمَّا الصَّلَاةُ فَلَكَ بُرْهَانٌ وَالصَّوْمُ جَنَّةٌ وَالصَّدَقَةُ ظِلٌّ وَالزَّكَاةُ نُورٌ فَأَيُّ عَمَلٍ عَمِلْتَ لِي قَالَ مُوسَى دَلَّنِي عَلَى الْعَمَلِ الَّذِي هُوَ لَكَ قَالَ يَا مُوسَى هَلْ وَالَيْتَ لِي وَلِيًّا وَ هَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا قَطُّ فَعَلِمَ مُوسَى أَنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللهِ وَالْبُغْضُ فِي اللهِ؛^۱ خدای بلند مرتبه به موسی فرمود: آیا عملی را فقط به خاطر من انجام داده‌ای؟ موسی پاسخ داد: برای تو نماز خوانده‌ام و روزه گرفته‌ام و صدقه داده‌ام و ذکر تو را گفته‌ام. پروردگار بلند مرتبه فرمود: اما نماز که برای هدایت خودت بوده و روزه پوشش [تو از آتش] و صدقه سایه بان [روز جزا] و زکات نور [برای توست]. پس چه عملی را برای من انجام داده‌ای؟ موسی عليه السلام گفت: مرا راهنمایی کن بر عملی که برای توست؟ فرمود: ای موسی! آیا به خاطر من با کسی دوستی کرده‌ای و آیا به خاطر من با کسی دشمنی کرده‌ای! پس موسی عليه السلام دانست که بهترین اعمال [در نزد پروردگار] دوستی به خاطر خدا و دشمنی به خاطر خداست».

ابن ابی‌یعفور می‌گوید: روزی خدمت امام صادق عليه السلام رسیدم و به ایشان عرض کردم: «من تعدادی از دشمنان شما را می‌شناسم، در شگفتم آنها که جزو دوستان دشمنان شما فلانی و فلانی (اولی و دومی) هستند انسان‌های امانت دار، راستگو و وفادار به عهد

و پیمان‌های‌شان هستند، اما بسیاری از دوستان شما چنین نیستند؟!» امام خشمگین شد و نگاه تندی به او نموده و فرمود: «هر آن کس که بر اساس پذیرش ولایت امام جائر خدای را بپرستد دین ندارد و هر آن کس که در پوشش ولایت پذیری از امام عادل خدای را عبادت کند عتابی بر او نیست».

ابن ابی‌یعفور با تعجب پرسید: «چگونه ممکن است؟ آنها که دین ندارند و اینها هم که مشکل و عتابی ندارند؟!» امام فرمود: «آری! مگر نشنیده‌ای که پروردگار پاک فرمود: «اللهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ «خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنها را از تاریکی به نور هدایت می‌کند». یعنی به سبب پذیرش ولایت امام عادل، آنها را از ظلمت گناه به سوی نورانیت توبه و مغفرت رهنمون می‌گرداند. و کفار را که در سرپرستی طاغوت به سر می‌برند، از نور بیرون می‌کند و به سوی ظلمت می‌کشاند».

او دوباره پرسید: «مگر مراد از الذین کفروا کافران نیستند؟» امام پاسخ داد: «آیا کافر نور دارد که از آن خارج شود؟! مقصود مسلمانانی هستند که ولایت امام جائر را پذیرفته‌اند، از نور خارج شده‌اند و کافر گشته‌اند. بدین جهت استحقاق عذاب دارند».^۱

نتیجه‌ی دوستی با منحرفان

روزی امام هادی عليه السلام به شخصی از نزدیکان خود به نام جعفری که با امام رفت و آمد داشت فرمود: «چرا تو را نزد عبدالرحمن می‌بینم و با او رابطه‌ی دوستی داری؟ جعفری پاسخ داد: «او دایمی من است». امام

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۰۴، حدیث ۱۸.

۱. المحاسن، ص ۲۶۵.

فرمود: «او انسان منحرفی است و دربارهی پروردگار حرف‌های نادرستی می‌زند و به جسم بودن خدا قائل است». جعفری گفت: «او هر چه می‌خواهد بگوید، من فقط با او دوست هستم. وقتی که به گفته‌های او معتقد نباشم، دوستی ما چه اشکالی دارد؟» امام فرمود: «بنابراین یا با او دوست باش و ما را رها کن و یا ما را دوست داشته باش و او را ترک کن؛ زیرا ممکن نیست که هم ما را دوست داشته باشی و هم او را. آیا نمی‌ترسی که بر او عذابی نازل شود و هر دو به یک‌باره گرفتار شوید.

سپس حضرت داستان جوانی را تعریف کرد که خودش از پیروان موسی علیه السلام بود و پدرش از یاران فرعون. و فرمود: «آن‌گاه که سپاه فرعون در کنار رود نیل به موسی و پیروان او رسید، جوان از گروه موسی علیه السلام جدا شد تا پدرش را نصیحت کند و به موسی علیه السلام ملحق نماید، اما پدرش گوش شنوا نداشت و اندرز جوان در او اثری نبخشید و سرسختانه به پیروی از فرعون ادامه داد. در این هنگام یاران موسی علیه السلام به ساحل رسیدند و جوان که مانده بود به همراه پدرش و قوم فرعون غرق شدند. جریان را به موسی علیه السلام خبر دادند. اصحاب از حال جوان پرسیدند که آیا او اهل رحمت است یا عذاب؟ موسی علیه السلام فرمود: جوان مشمول رحمت الهی است چون در عقیده‌ی پدر نبود، ولی هنگامی که عذاب نازل گردید، نزدیکان گناهکاران نیز گرفتار عذاب می‌شوند و آتش بدی بدکاران، خوبان را نیز به کام خود فرو می‌برد»^۱.

فراز پنجم: تقرب و توسل

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ... إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ... وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاتِكُمْ...»

پروردگارا مرا [به واسطه‌ی حضرت] حسین علیه السلام نزد خودت آبرومند قرار بده... من نزد خدا و رسولش و به امیرالمؤمنین علیه السلام تقرب می‌جویم... من به سوی خدا سپس به سوی شما [اهل بیت علیهم السلام] و دوستداران تان با پذیرش ولایت تان، تقرب می‌جویم...

مقربان کیانند؟

۱. پیشی‌گیرندگان بر خیر

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ»^۱ «أَوْلَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»^۱؛ «و سبقت‌گیرندگان [مقدمند] آنان همان مقربان هستند».

۲. مؤمنان راستین

قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «أَقْرَبُ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَحْسَنُهُمْ إِيمَانًا»^۲ مقرب‌ترین مردم در نزد پروردگار پاک، آنانی هستند که ایمانشان از همه نیکوتر است».

قال زين العابدين عليه السلام: «إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنَ اللَّهِ أَوْسَعُكُمْ خُلُقًا؛^۱ به درستی که مقرب‌ترین شما به پروردگار آن کسانی هستند که وسعت اخلاق بیشتری (شرح صدر) دارند.»

۴. فروتنان

قال الصادق عليه السلام: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام يَا دَاوُدُ كَمَا أَنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَوَاضِعُونَ كَذَلِكَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَكَبِّرُونَ؛^۲ پروردگار بلند مرتبه و سترگ به داود وحی کرد که ای داود! همان‌گونه که مقرب‌ترین مردم نسبت به خدا فروتنان هستند، همانند آن دورترین مردم از خدا متکبرانند.»

۵. راستگویان

قال امير المؤمنين عليه السلام: «أَقْرَبُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَقْوَلُهُمْ لِلْحَقِّ وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ وَأَعْمَلُهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنْ كَانَ فِيهِ كُرْهُهُ؛^۳ نزدیک‌ترین بندگان به خداوند بلندمرتبه کسی است که بیشتر از همه حق را می‌گوید، حتی اگر به ضرر او باشد و از همه بیشتر به حق عمل می‌کند، حتی اگر آن عمل را ناپسند بدارد.»

بعضی از عوامل تقرب به خدا

۱. قطع امید از مردم

قال امير المؤمنين عليه السلام: «لَنْ تَتَّصِلَ بِالْخَالِقِ حَتَّى تَنْقَطِعَ عَنِ الْخَلْقِ؛^۴ هرگز به آفریدگار نزدیک نمی‌شوی مگر اینکه از آفریدگان منقطع گردی.»

که باشد بر خلاق پشت بودن مقتدا بودن

۲. انجام واجبات

قال الله تعالى: «مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِمِثْلِ آدَاءٍ مَا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ؛^۱ هیچ چیزی مانند اداء آنچه را من بر بنده‌ی مؤمنم واجب کرده‌ام، او را به من نزدیک نمی‌کند.»

۳. دوری از گناه

قال الصادق عليه السلام: «فِيمَا نَاجَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِ مُوسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا مُوسَى مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ وَرَعٍ عَنِ مَحَارِمِي؛^۲ پروردگار بلند مرتبه و بزرگ با این جمله با موسی که درود خدا بر او باد سخن گفت: ای موسی! هیچ چیزی مانند دوری از حرام‌های من تقرب جویندگان را به من نزدیک نکرده است.»

اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد نشاط و عیش به باغ بقا توانی کرد
ز منزلات هوس گر برون نهی قدمی نزول در حرم کبریا توانی کرد

۴. خلوص نیت

قال امير المؤمنين عليه السلام: «تَقَرَّبُ الْعَبْدِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِاخْتِلَاصِ نِيَّتِهِ؛^۳ بنده به پروردگار سبحان با خلوص در نیتش نزدیک می‌شود.»

۵. دعا و درخواست از خدا

قال امير المؤمنين عليه السلام: «التَّوَقُّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمَسْأَلَتِهِ وَإِلَى النَّاسِ بِتَرْكِهَا؛^۴ نزدیک شدن به پروردگار بزرگ با درخواست از اوست و نزدیکی به مردم به ترک درخواست است.»

دست از طلب مدار که دارد طریق عشق

از پا فتادنی که به منزل برابر است

۶. گریه از ترس خدا

قال الباقر عليه السلام: «ناجى الله به موسى عليه السلام على الطور يا موسى ابلغ قومك انه ما يتقرب الى المتقربون بمثل البكاء من خشيتي؛^۱ پروردگار با این جمله به موسی عليه السلام در کوه طور سخن گفت: ای موسی! به قومت ابلاغ کن که به هیچ چیزی مانند گریه از ترس من نزدیک شوندگان به من نزدیک نمی شوند».

۷. رعایت کنندگان حال زبردستان و تلاش گران در اصلاح بین مؤمنان

قال الصادق عليه السلام: «ثلاثة هم اقرب الناس الى الله يوم القيامة حتى يفرغ [الناس] من الحساب رجلا لم تدعه قدرته في حال غضبه الى ان يحيف على من تحت يديه ورجل مشى بين اثنين فلم يميل مع احد ههما على الآخر بشعبيرة ورجل قال الحق فينا له وعليه؛^۲ سه کس در روز قیامت تا آن زمان که همگان از حسابرسی فارغ شوند به خدا نزدیک تر هستند؛ کسی که قدرتش او را در حال خشم رها نمی کند که نسبت به آنان که زیر دست او بند ستم کند و کسی که [برای اصلاح] بین دو نفر تلاش می نماید و حتی به اندازه‌ی دانه جویی به سمت یکی از دو نفر تمایل نمی یابد و کسی که همواره حق را می گوید، چه در آنجا که به نفع او باشد و چه در جایی که به ضرر او باشد».

توسل به قرآن و اهل بیت علیهم السلام

۱. روزی مردی با حالتی نگران نزد امام صادق عليه السلام آمد و عرض کرد: مولای من! دو گرفتاری برای من پیش آمده است که بسیار نگرانم کرده.

نزد شما آمده‌ام تا راهی نشان من بدهید که من از مشکلاتم خلاصی یابم. اولین مشکل من این است که بدهکاری سنگینی دارم و دوم اینکه در سیطره‌ی زورگویی حاکم ستمگری افتاده‌ام. امام به او فرمود: «به هنگام تاریکی شب دو رکعت نماز بخوان. در رکعت اول حمد و آیه الکرسی و در رکعت دوم حمد و آیات پایانی سوره‌ی حشر ﴿لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ...﴾ را تلاوت کن و پس از نماز قرآن را بالای سرت بگذار و بگو: «يَحَقُّ هَذَا الْقُرْآنُ وَيَحَقُّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَيَحَقُّ كُلُّ مُؤْمِنٍ مَدَّخْتَهُ فِيهِ وَيَحَقُّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدٌ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ يَا اللَّهُ» و کلمه یا الله را ده مرتبه بگوی، سپس ده مرتبه بگو یا محمد عليه السلام، سپس ده مرتبه یا علی عليه السلام، سپس ده مرتبه یا فاطمه عليها السلام، سپس ده مرتبه یا حسن عليه السلام، و تا آخر ائمه را نام ببر. سپس ده مرتبه یا أيها الحجّة و آن گاه حاجت خود را از پروردگار بخواه».

مرد از امام تشکر کرد و به خانه خود رفت و پس از مدتی نزد امام آمد و گفت که در نتیجه‌ی آن تمامی مشکلاتش حل شده است.^۱

۲. عثمان بن حنیف می گوید: «در محضر رسول خدا صلى الله عليه وآله بودم که مردی نابینا وارد شد. نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا! من گرفتار مشکلی شده‌ام، اکنون نزد شما آمده‌ام تا از پروردگار بخواهید که گرفتاری من را رفع کند. پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: «اگر بخواهی برایت دعا می کنم و گرنه صبر کن تا راهی به تو نشان دهم». آن گاه به او فرمود: «نزدیک آب برو و وضو بساز آن گاه دو رکعت نماز به جای آور و آن گاه دست به دعا بردار و بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّي فَيَجَلِّ لِي عَنْ بَصَرِي اللَّهُمَّ

۱. الامالی، شیخ طوسی، ص ۲۹۲، ح ۵۶۷

۲. الخصال، ص ۸۱، ح ۵

۱. ثواب الاعمال، ص ۲۰۵

فَشَفَعَهُ فَيِّ؛ پروردگارا به درستی که از تو مسئلت دارم و پیامبرت محمد ﷺ رسول رحمت تو را به سوی تو وجیه قرار می‌دهم. ای محمد! من تو را به درگاه پروردگارم وجیه قرار می‌دهم، پس چشمانم را نورانی می‌گرداند. پروردگارا او را شفیع من قرار ده. آن گاه مرد رفت. عثمان بن حنیف می‌گوید به خدا سوگند که هنوز ما متفرق نشده بودیم که مرد بازگشت و آثار شادمانی در چهره‌اش دیده می‌شد که گویی هیچ مشکلی نداشته است.^۱

فراز ششم: حیات طیبه

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ...»
 خدایا! زندگی مرا [مانند] زندگی محمد ﷺ و خاندان محمد ﷺ و مرگم را [مانند] محمد ﷺ و خاندان محمد ﷺ قرار بده...

درخواست حیات طیبه

۱. دعای امام صادق در روز سه شنبه

«وَأَرْزُقْنَا اللَّهُمَّ دِينًا قَيِّمًا وَ شُكْرًا دَائِمًا وَ صَبْرًا جَمِيلًا وَ حَيَاةً طَيِّبَةً؛^۱ پروردگارا دینی استوار و شکری دائم و صبری زیبا و زندگانی‌ای نیکو روزی‌مان گردان.»

۲. دعایی دیگر از امام صادق ﷺ در منی

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَ أَطْلَتْ عُمُرَهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَمَاتِ حَيَاةً طَيِّبَةً؛^۲ پروردگارا مرا از جمله کسانی قرار ده که از عملش راضی هستی و عمرش را طولانی کرده‌ای و زندگانی بعد از مرگش را نیکو قرار داده‌ای.»

۱. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۱۸۵.

۲. همان، ج ۸۸، ص ۹۵.

۱. مستند امام احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۳۸.

۱. نیکی به پدر و مادر

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ [الأنصاري] قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله يَقُولُ كَانَ فِيمَا أَعْطَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مُوسَى عليه السلام فِي الْأَلْوَابِ الْأُولَى اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ أَقْبِكَ الْمَتَالِفَ ... وَ أَحَبَّ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ أَقْبَلْتَكَ إِلَى خَيْرٍ مِنْهَا؛^۱ امام صادق عليه السلام از جابر روایت می کند که گفت از رسول خدا صلى الله عليه وآله شنیدم که می فرمود در آنچه پروردگار بلند مرتبه و سترگ به موسی عليه السلام در لوح هایش ارزانی داشت [این مطلب] بود که سپاسگزار من و پدر و مادرت باش تا به واسطه آن تو را از آسیب ها در امان دارم و تو را بر زندگانی نیکو زنده دارم و تو را به سوی نیکی های آن سوق دهم.

۲. عمل صالح

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲ «هر کس - از زن و مرد - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای حیات [حقیقی] می بخشیم».

۳. ولایت علی بن ابی طالب عليه السلام

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُحْيِيَ حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مَنَاتِي وَ يَسْكُنَ جَنَّةَ الْخُلْدِ الْأَبَدِي وَ عَدَنِي رَبِّي عَزَّوَجَلَّ غَرَسَ قَضبانَهَا بِيَدِهِ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ لَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ هُدًى وَ لَنْ يُدْخِلَكُمْ فِي ضَلَالَةٍ؛ هر کس دوست دارد که زندگانی اش مانند زندگانی من و مرگش مانند مرگ من باشد و در بهشت برینی که پروردگار بلند مرتبه و بزرگم و عده ای آن را به من داده و درختانش را خود کاشته سکنی گزینند، پس باید ولایت علی بن

۲. سوره نحل، آیه ۹۷.

۱. همان، ج ۱۳، ص ۳۸۵.

ابی طالب عليه السلام را بپذیرد. پس به درستی که او هرگز شما را از هدایت دور نمی کند و در گمراهی داخل نمی کند».^۱

۴. قرائت سوره ی مزمل

قال امير المؤمنين عليه السلام: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْمَزْمَلِ فِي الْعِشَاءِ أَوْ فِي آخِرِ اللَّيْلِ كَانَ لَهُ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ شَاهِدِينَ مَعَ سُورَةِ الْمَزْمَلِ وَ أَحْيَاهُ اللَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ أَمَاتَهُ مِيتَةً طَيِّبَةً»^۲ هر کس سوره ی مزمل را در نماز عشا یا در آخر شب تلاوت کند، سوره ی مزمل و روز و شب شاهدان او می شوند [در روز جزاء] و پروردگار او را با زندگانی نیکو زنده می دارد و با مرگ نیکو می میراند.

صفات دارندگان حیات طیبه

امام صادق عليه السلام از پدرش از امیرالمؤمنین عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل می کند که خداوند فرمود: «يَا أَحْمَدُ! إِنَّ أَهْلَ الْخَيْرِ وَ أَهْلَ الْآخِرَةِ كَثِيرٌ حَيَاؤُهُمْ قَلِيلٌ حُمُقُهُمْ كَثِيرٌ نَفْعُهُمْ، النَّاسُ مِنْهُمْ فِي رَاحَةٍ وَ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي تَعَبٍ، كَلَامُهُمْ مَوْزُونٌ، مُحَاسِبِينَ لِأَنْفُسِهِمْ، مُتَعَبِينَ لَهَا، تَنَامُ أَعْيُنُهُمْ وَ لَا تَنَامُ قُلُوبُهُمْ، أَعْيُنُهُمْ بَاكِئَةٌ، قُلُوبُهُمْ ذَاكِرَةٌ، فِي أَوَّلِ نِعْمَةٍ يَحْمَدُونَ وَ فِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ، يُحِبُّ الرَّبُّ أَنْ تَسْمَعَ كَلَامَهُمْ كَمَا تُحِبُّ الْوَالِدَةُ وَ لَدَهَا وَ لَا يَشْغَلُهُمْ عَنِ اللَّهِ شَيْءٌ طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ لَا يُرِيدُونَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَ لَا كَثْرَةَ الْكَلَامِ وَ لَا كَثْرَةَ اللَّبَاسِ، النَّاسُ عِنْدَهُمْ مَوْتَى وَ اللَّهُ عِنْدَهُمْ حَيٌّ قِيَوْمٌ كَرِيمٌ. قَدْ صَارَتِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ عِنْدَهُمْ وَاحِدَةً، يَمُوتُ النَّاسُ مَرَّةً وَ يَمُوتُ أَحَدُهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً مِنْ مُجَاهَدَةِ أَنْفُسِهِمْ وَ مُخَالَفَةِ هَوَاهُمْ لَا أَرَى فِي قَلْبِهِمْ شُغْلًا لِمَخْلُوقٍ فَوْعِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَخِيَّتِهِمْ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ ای احمد! به درستی که اهل نیکی و اهل آخرت حیاتشان بسیار است، نادانی شان اندک است و نفعشان زیاد است. مردم از [دست] آنها در آسایش هستند ولی نفس شان از دست آنها

۱. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۸.

۲. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۳۸.

در رنج و سختی است. سخنانشان سنجیده است. نفس خود را محاسبه می‌کنند و آن را در سختی قرار می‌دهند. چشمانشان می‌خواهد ولی دل‌هایشان بیدار است. چشمانشان [از خوف خدا] گریان است. دل‌هایشان به یاد [خدا] است. در آغاز هر نعمتی خدا را سپاس می‌گویند و در آخر هر نعمتی شکر [او را] به جای می‌آورند. پروردگار دوست دارد سخن‌شان را بشنود همان‌گونه که مادر بچه‌اش را دوست می‌دارد. هیچ چیز آنان را به اندازه چشم برهم زدنی از خدا باز نمی‌دارد. غذای زیاد و سخن زیاد و لباس زیادی نمی‌خواهند. مردم در نزد آنها مردگانند و پروردگار در نزد آنها زنده، سرپرست [و] بخشنده است. دنیا و آخرت برای‌شان یکی است. مردم تنها یک بار می‌میرند، اما آنها در هر روز به خاطر مبارزه با نفس و مخالفت با خواهش‌های نفسانی هفتاد بار می‌میرند. در دل آنها گرفتاری و مشغولیتی از سوی آفریدگان نمی‌بینی. پس به عزت و جلالم سوگند که آنها را زندگانی نیکو خواهم بخشید»^۱.

فراز، هفتم: زیارت

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ... وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ...»

پروردگارا مرا در این مقام که هستم از آنان قرار ده که درود و رحمت و مغفرتت شامل حال آنها شده است... و خدا این زیارت مرا آخرین زیارت با شما قرار ندهد...

سیره رسول خدا ﷺ

ابن ابی شیبۀ نقل کرده است که: «إِنَّ النَّبِيَّ كَانَ يَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ بِأُحْدِ عُلَى رَأْسِ كُلِّ حَوْزٍ فَيَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ؛ پیامبر اکرم سر هر سال بر سر قبور شهداء جنگ احد می‌آمد و می‌فرمود: سلام بر شما باد به خاطر صبوری که نمودید، پس چه نیکوست منزلگاه و اسپین شما»^۱.

آثار زیارت قبور

۱. یاد قیامت

قال رسول الله ﷺ: «زُرِ الْقُبُورُ تَذَكَّرُ بِهَا الْآخِرَةَ؛ قبرها را زیارت کن تا به وسیله آن به یاد آخرت بیفتی»^۲.

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۳۳.

۲. همان، ج ۱، ص ۵۳۳.

قال رسول الله ﷺ: «فَمَنْ شَاءَ أَنْ يَزُورَ قَبْرًا فَلْيَزُرْهُ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ وَ يُدْمَعُ الْعَيْنَ؛ هر کس بخواهد قبری را زیارت کند، پس آن را زیارت نماید. (اشکالی ندارد) پس به درستی که زیارت قبور قلب را رقیق و چشم را گریان می‌کند.»^۱

۳. بی رغبتی به دنیا

قال رسول الله ﷺ: «فَزُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُزْهِدُ فِي الدُّنْيَا؛ قبرها را زیارت کنید، پس به درستی که آن [انسان را] از دنیا پرستی دور می‌کند.»^۲

۴. عبرت اندوزی

قال رسول الله ﷺ: «أَلَا فَزُورُوا إِخْوَانَكُمْ وَسَلِّمُوا عَلَيْهِمْ فَإِنَّ فِيهَا عِبْرَةٌ؛ به هوش باشید و [قبور] برادرانتان را زیارت کنید و بر آنها سلام دهید، پس به درستی که در آن عبرت است.»^۳

۵. پاداش عظیم

قال رسول الله ﷺ: «مَنْ مَرَّ عَلَى الْمَقَابِرِ فَقَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ إِحْدَى عَشْرَ مَرَّةً ثُمَّ وَهَبَ أَجْرَهَا لِلْأَمْوَاتِ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ بِعَدَدِ الْأَمْوَاتِ؛ هر کس بر قبرستانی عبور کند و یازده مرتبه سوره‌ی قل هو الله احد را بخواند و ثواب آن را به مردگان هدیه کند، به تعداد آن اموات پاداش می‌گیرد.»^۴

۶. انس با زیارت شوندهگان

قال رسول الله ﷺ: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَزُورُ قَبْرَ أَخِيهِ وَيَجْلِسُ عِنْدَهُ إِلَّا اسْتَأْنَسَ بِهِ؛ هیچ کس قبر برادر مؤمن خویش را زیارت نمی‌کند و بر کنار مزار او نمی‌نشیند مگر اینکه با او انس می‌گیرد.»^۵

۱. السنن الكبرى، ج ۴، ص ۷۷.
 ۲. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۹۲.
 ۳. مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۵۸.
 ۴. كنز العمال، حدیث ۴۲۵۹۶.
 ۵. همان، حدیث ۴۲۶۰۱.

۱. واجب شدن بهشت

پیامبر اکرم ﷺ به امام حسین فرمود: «يَا بُنَيَّ! مَنْ آتَاكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ زَائِرًا لَا يُرِيدُ إِلَّا زِيَارَتَكَ فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ فرزندم! هر کس پس از درگذشت تو به زیارت تو بیاید و هیچ نیتی غیر از زیارت تو نداشته باشد، پس بهشت برای اوست.»^۱

۲. زیاد شدن روزی و طول عمر

قال ابو جعفر ﷺ: «مَرُّوا شَيْعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّ إِثْيَانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ يَمُدُّ فِي الْعُمُرِ وَ يَدْفَعُ مَدَافِعَ الشُّرِّ وَ إِثْيَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يَقْرَأُ لَهُ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ؛ شیعیان ما را به زیارت قبر امام حسین امر کنید، پس به درستی که انجام آن سبب زیاد شدن روزی و طولانی شدن عمر و دور شدن بدی‌ها و گرفتاری‌هاست و انجام آن بر هر مؤمنی که به امامت او از سوی خدا اقرار دارد واجب است.»^۲

۳. آمرزش گناهان

قال الصادق ﷺ: «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ مِنْ شَيْعَتِنَا لَمْ يَزَجَعْ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ وَ يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَخْطَاَهَا وَ كُلِّ يَدٍ رَفَعْتَهَا دَابَّتْهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ تُرْفَعُ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ؛ از شیعیان ما کسی که امام حسین را زیارت بکند، از زیارت بر نمی‌گردد مگر آن‌که تمام گناهانش آمرزیده می‌شود و با هر قدمی که چارپایش بر می‌دارد و هر دستی که بالا می‌برد، هزار حسنه برای او ثبت شده و هزار گناه او محو گشته و هزار درجه و مرتبه‌اش بالا می‌رود.»^۳

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۱، حدیث ۵.
 ۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲، حدیث ۱.
 ۳. کامل الزیارات، ص ۲۳۸.

۴. حساب نشدن ایام زیارت از عمر زائر

قال علی بن موسی الرضا علیه السلام عن ابیه: «إِنَّ أَيَّامَ زَائِرِي الْحُسَيْنِ علیه السلام لَا تُحَسَبُ مِنْ أَعْمَارِهِمْ وَلَا تُعَدُّ مِنْ أَجَالِهِمْ؛^۱ به درستی که ایام زیارت امام حسین علیه السلام جزء عمر زائرین شمرده نشده و از اجلشان محسوب نمی شود».

۵. همسایگی با اهل بیت علیهم السلام در بهشت

قال الصادق علیه السلام: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِي جَوَارِ نَبِيِّهِ علیه السلام وَ جَوَارِ عَلِيِّ علیه السلام وَ فَاطِمَةَ علیها السلام فَلَا يَدَعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهم السلام؛^۲ هر کس می خواهد [در بهشت] همسایه رسول خدا صلی الله علیه و آله و همسایه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام باشد، پس زیارت حسین بن علی علیهم السلام را ترک نکند».

۶. ثواب یک عمره به پاس هر گام

قال الصادق علیه السلام: «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ علیه السلام مُخْتَسِبًا لِأَشْرَأَ وَ لِأَبْطَرَأَ وَ لِأَرِيَاءَ وَ لِأَسْمَعَةَ مُحَصَّتٍ عَنْهُ ذَنْبُهُ كَمَا يَحْصُ الثَّوْبُ بِالْمَاءِ فَلَا تَبْقَى عَلَيْهِ دَنَسٌ وَ يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةٌ وَ كَلَّمَا رَفَعَ قَدَمًا عُمْرَةً؛^۳ کسی که به امید ثواب و اجر به زیارت حسین علیه السلام برود؛ نه از روی تکبر و نخوت و نه ریا و سُمعه، گناهانش پاک می شود، همان طور که لباس با آب پاک می شود، پس هیچ آلودگی بر او باقی نمی ماند و به پاس هر گامی که برداشته، یک حج و هر قدمی که از زمین بلند کرده، یک عمره برای او نوشته می شود».

ارزش حائر حسینی علیه السلام نزد اهل بیت علیهم السلام

ابو هاشم جعفری از دوستان و نزدیکان امام هادی علیه السلام می گوید: «روزی به همراه محمد بن حمزه نزد امام هادی علیه السلام رفتیم. امام در بستر بیماری افتاده

بود. ابتدا او به محضر امام رفت. وقتی بازگشت به من خبر داد که امام به او پیوسته فرموده است شخصی را به حائر حسینی علیه السلام بفرستید تا برای شفای من دعا کند.

من به محمد بن حمزه گفتم: آیا به امام نگفتی که من (ابو هاشم) می توانم این دستور را عملی نمایم و به حائر حسینی بروم؟ پاسخ داد: خیر. از این رو به محضر امام رسیدم و عرضه داشتم: فدایت شوم! من حاضریم به حائر بروم. امام رو به من کرد و فرمود: در این عمل بسیار دقت و احتیاط کن که کسی مطلع نشود. من اطاعت کردم و نزد یکی از شیعیان به نام علی بن هلال رفتم و فرموده ی امام را به او ابلاغ کردم و گفتم که امام خواسته تا کسی به نیابت از او به حائر حسینی علیه السلام برود و برایش دعا نماید. علی بن بلال گفت: حضرت با حائر چه کار دارد. خودشان [در حد] حائر حسینی علیه السلام هستند [و امام بر حق شیعیانند؟!]. این سؤال در ذهن من نیز نقش بست، از این رو دوباره به خدمت امام شرفیاب شدم اما شرمندگی به من اجازه نمی داد سؤال را مطرح کنم.

خواستم برخیزم و بروم که امام به من فرمود: بنشین! چون لطف و عنایت او را دیدم سؤال خود و علی بن هلال را مطرح کردم. امام فرمود: رسول خدا در اطراف خانه خدا طواف می کرد و حجرالاسود را می بوسید در حالی که حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله و هر مؤمنی از کعبه بالاتر است. همچنین خدا فرموده که در عرفه و قوف کند با اینکه احترام پیامبر صلی الله علیه و آله از عرفه بیشتر است و سر آن این است که این مکان ها اماکنی هستند که خدا دوست دارد در آنها یاد شود. پس من نیز دوست دارم برای شفای من در

۲. همان، ص ۲۴۵.

۱. همان، ص ۲۴۴.

۳. همان، ص ۲۷۲.

جایی دعا بشود که خدا آن را دوست دارد و حائر حسینی علیه السلام از همین مکان هاست.^۱

ادب زیارت امام حسین علیه السلام

روزی امام صادق علیه السلام از ابوالمضاء که اهل رقه بود پرسید: «آیا به زیارت قبر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام می روید؟» ابوالمضاء پاسخ داد: آری مولای من. امام به او فرمود: «آیا با خود سفره‌ای و خوردنی‌هایی برداشته و می برید؟» پاسخ داد: «بله». امام با ناراحتی پرسید: «آیا اگر بر سر قبر پدران خود نیز بروید، چنین کاری می کنید؟» ابوالمضاء گفت: «پس چه چیزی بخوریم؟». امام فرمود: «غذایی ساده مانند نان و شیر».

عبدالکریم بن عمرو که با او همراه بود از امام پرسید: «فدایت شوم، گروهی به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام می روند و سفره‌هایشان را از انواع خوردنی‌های مطبوع و معطر و لذیذ پر می کنند». امام فرمود: «آنان اگر بر سر قبر پدرانشان بروند چنین نمی کنند... به خدا قسم یکی از شما وقتی به زیارت قبر پدرش می رود غمگین و اندوهناک می رود، ولی به زیارت قبر مطهر حسین علیه السلام که می روید با خود سفره‌ها بر می دارید. هرگز! این گونه نباید به زیارت آن امام بروید، بلکه با حالتی افسرده و غمگین و گرفته».^۲

فراز ششم: صبر بر مصیبت

«لَقَدْ عَظَمْتَ الرُّزِيَّةَ وَ جَلَّتْ وَ عَظَمْتَ المُصِيبَةَ بِكَ عَلَيْنَا... وَ اسئَلُ اللهَ بِحَقِّكُمْ وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُضَاهِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُضَاهَا بِمُصِيبَتِهِ... لَقَدْ عَظَمَ مُضَاهِي بِكَ... أَلْحَمْدُ للهَ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي»

چقدر مصیبت و اندوه تو بر ما سخت و سنگین است... و از خدا به حق شما و جایگاهی که نزد خدا دارید، درخواست می‌کنم که ثواب عزاداری و اندوه مرا در مصیبت شما بهترین ثوابی که به هر مصیبت زده‌ای عطا می‌کند بدهد... تحمل مصیبت تو بر من دشوار است... خدا را [توفیق] بر عزاداری و اندوه و غم بزرگ من برای شما سپاس می‌گویم...

آثار صبر بر مصیبت

۱. اجر الهی

قال الباقر علیه السلام: «مَنْ صَبَرَ وَ اسْتَرْجَعَ وَ حَمَدَ اللهَ عِنْدَ المُصِيبَةِ فَقَدْ رَضِيَ بِمَا صَنَعَ اللهَ وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللهِ؛ هر کس در مصیبتی صبر پیشه سازد و کلمه استرجاع به

زبان آورد و سپاس خدا گوید، پس به آنچه خدا انجام داده راضی شده و اجر او بر خداست»^۱.

۲. پاکی قلب

قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «التَّصَبُّرُ عَلَى الْمَكْرُوهِ يُغْصِمُ الْقَلْبَ»^۲ خود را به صبر زدن بر آنچه انسان ناپسند می دارد، سبب پاک شدن دل می شود».

۳. اجر فراوان

قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «إِنَّكَ إِنْ صَبَرْتَ جَرَّتْ عَلَيْكَ الْمَقَادِيرُ وَأَنْتَ مَا جُورَ وَإِنْ جَزَعْتَ جَرَّتْ عَلَيْكَ الْمَقَادِيرُ وَأَنْتَ مَا زُورَ» به درستی که اگر تو صبر پیشه خودسازی، آنچه برای تو در نظر گرفته شده پیش می آید در حالی که تو اجر می بری و اگر نابر دباری نمایی، آنچه برای تو در نظر گرفته شده پیش می آید در حالی که زیانکار هستی»^۳.

۴. از بین رفتن صفات

قال الباقر علیه السلام: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ فِي الدُّنْيَا فَيَسْتَرْجِعَ عِنْدَ مُصِيبَةٍ حِينَ تَفْجَأُهُ الْمُصِيبَةُ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ إِلَّا الْكَبَائِرَ الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا النَّارَ»^۴ هیچ مؤمنی در دنیا با مصیبتی برخورد نمی کند و هنگامی که مصیبت بر سر او می آید کلمه‌ی استرجاع را نمی گوید، مگر اینکه پروردگار گناهانش را می آمرزد؛ به جز گناهان کبیره را که پروردگار آتش را بر آن واجب گردانیده است».

۵. برخورداری از بهشت الهی

قال الصادق علیه السلام: «مَنْ أَلْهَمَ الْإِسْتِرْجَاعَ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»^۵ هر کس هنگام پیشامد مصیبتی کلمه‌ی استرجاع را بگوید، بهشت بر او واجب می شود».

۶. گنجینه‌ی نیکی‌ها

قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ كَثْمَانُ الْمَصَائِبِ»^۱ از گنج‌های نیکی، پوشیده داشتن مصیبت‌هاست».

ضرورت دوری از بی‌صبری

۱. صداهای ملعون

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «صَوْتَانِ مَلْعُونَانِ يُبْغِضُهُمَا اللَّهُ إِعْوَالُ عِنْدَ مُصِيبَةٍ وَصَوْتُ عِنْدَ النَّعْمَةِ يَغْنَبِي التَّوْحَّ وَالْغِنَاءُ» دو گونه صدا ملعون هستند و خدا آن دو را دوست ندارد. فریاد کردن در مصیبت و آواز کردن در خوشی؛ یعنی نوحه‌گری و سنا»^۲.

۲. عمل جاهلیت

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الْئِيَاخَةُ عَمَلُ الْجَاهِلِيَّةِ»^۳ نوحه‌گری [بر مرده] از رفتارهای جاهلی است».

۳. رسوایی

قال الصادق علیه السلام: «قِلَّةُ الصَّبْرِ فَضِيحَةٌ» کمی صبر [سبب] رسوایی است»^۴.

۴. بی‌اجری

قال الصادق علیه السلام: «اتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَصْبِرْ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ وَإِنَّمَا هَلَكَهُ فِي الْجَزَعِ أَنَّهُ إِذَا جَزَعَ لَمْ يُؤْجَرْ»^۵ از خدا بترسید و بردباری پیشه نمایید، پس به درستی که هر کس بردباری نکند، بی‌تابی او را هلاک می کند و هلاک او فقط در جزع است؛ زیرا هنگامی که بی‌تابی می کند، اجری نمی برد».

۱. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۰۳.

۲. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۰۳.

۴. همان، ج ۷۱، ص ۹۵.

۱. مشکاة الانوار، ص ۲۲.

۲. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۰۷.

۳. جامع الاخبار، ص ۳۱۶.

۴. نواب الاعمال، ج ۲، ص ۲۳۴.

۵. همان، ج ۱، ص ۲۳۵.

۱. غرفه‌ای در بهشت

قال السجاد علیه السلام: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ دَمْعَةً حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ بَوَّأَهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا»^۱ هر گاه مؤمنی به خاطر شهادت امام حسین علیه السلام گریه کند تا اینکه اشک بر گونه‌اش جاری شود، خداوند در بهشت خانه‌ای به او می‌دهد که مدت‌ها در آن ساکن گردد.

۲. پاداش بی حساب

قال الصادق علیه السلام: «لِكُلِّ شَيْءٍ ثَوَابٌ إِلَّا الدَّمْعَةَ فِينَا»^۲ برای هر چیزی ثواب [مشخصی] است، مگر اشک بر ما.

قال الصادق علیه السلام: «إِنَّ الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ مَكْرُوهٌ فِي كُلِّ مَا خَلَا الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام فَإِنَّهُ فِيهِ مَأْجُورٌ»^۳ به درستی که گریه و بی تابگی بر هر از دست رفته‌ای ناپسند است، مگر گریه و بی تابگی بر حسین بن علی علیه السلام. پس به درستی که [گریه کننده و بی تابگی کننده] در این کار اجر می‌برد.^۳

۳. رحمت خدا بر اشک سوگواران سیدالشهداء علیهم السلام

روزی یکی از دوستان امام صادق علیه السلام به نام مِسْمَع نزد حضرت رفت. امام به او فرمود: «ای مسمع! تو از اهالی عراق هستی، آیا به زیارت مزار حضرت حسین علیه السلام می‌روی؟ مسمع آهی کشید و گفت: خیر، چون مردی مشهور از اهل بصره هستم و در نزدیکی ما کسانی هستند که پیرو و هوادار خلیفه هستند و تعداد زیادی از ناصبی‌ها و دشمنان شما مرا می‌شناسند و در نزدیک خانه من به سر می‌برند و من اطمینان ندارم که

آنها جریان را به خلیفه گزارش ندهند. ترس این را دارم که مورد اذیت و آزار آنان قرار گیرم».

امام فرمود: «آیا ظلم‌هایی را که به جدم حسین بن علی علیه السلام روا داشته شده یاد می‌کنی؟» عرض کرد: «بلی!» امام پرسید: «آیا بی تابگی و گریه هم می‌کنی؟» پاسخ داد: «آری، گریه و بی تابگی می‌کنم به طوری که خانواده‌ام نیز هنگام مشاهده‌ی من چنان دگرگون می‌شوند که دست از غذا خوردن می‌کشند و اشک از چشمان‌شان جاری می‌شود».

امام فرمود: «رحم الله دمعتك؛ رحمت خدا بر اشک چشمانت باد». به یقین بدان تو از کسانی محسوب می‌شوی که به خاطر ما بی تابگی می‌کنند و به واسطه‌ی سرور ما خرسند و با غم ما شریک هستند و به خاطر ما در ترس از دشمن به سر می‌برند. بدان که هنگام مرگات اجداد و نیاکان من را بالای سرت خواهی دید که به ملک الموت سفارش می‌کنند بر تو آسان گیرد و به تو بشارتی خواهند داد که از هر چه فکر کنی بالاتر است، و ملک الموت از مادر به تو مهربان‌تر خواهد شد».

آن‌گاه اشک از چشمان امام سرازیر شد و مسمع نیز با امام گریست. سپس فرمود: «توجه داشته باش احدی به خاطر ترحم به ما و به دلیل مصائبی که بر ما وارد شده گریه نمی‌کند مگر آنکه قبل از آمدن اشکش پروردگار او را رحمت می‌نماید و وقتی اشک بر گونه‌اش جاری شد، در صورتی که یک قطره از آن در جهنم بیفتد، حرارت و آتش آن را خاموش می‌کند».^۱

۲. همان، ص ۳۲۵.

۱. کامل‌الزیارات، ص ۳۲۲.

۳. کامل‌الزیارات، ص ۳۲۳.

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۹.

روزی ابهارون مکفوف خدمت امام صادق علیه السلام رسید. امام به او فرمود: «ای ابهارون! آیا شعری در رثای جدم حسین علیه السلام برایم می خوانی؟» ابهارون اطاعت کرد و قصیده‌ای در رثای امام حسین علیه السلام خواند. امام به شدت گریست. ابهارون با دیدن حال امام اندکی مدارا نمود و برخی ابیات جانسوز آن را نخواند و تلاش کرد تا امام را زیاد به گریه نیاورد. امام متوجه شد و فرمود: «ای ابهارون! همان گونه که برای خودتان [در بین قوم خود] می خوانی برایم بخوان». ابهارون اطاعت کرد و خواند:

أَمُرُّ عَلَى جَدِّ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الزَّكِيَّةِ

«بر مزار حسین علیه السلام گذر کن و به استخوان‌های مطهرش بگو.»

گریه امام با شنیدن این بیت شدت بیشتری گرفت. امام پیوسته می فرمود: «بیشتر بخوان». ابهارون قصیده‌ی دیگری را نیز شروع کرد و آن قدر ادامه داد که صدای اهل خانه از آن سوی پرده نیز شنیده می شد. وقتی اشعار به پایان رسید، امام فرمود: «ای ابهارون! کسی که در رثای حسین بن علی علیه السلام شعری بخواند، خود گریه کند و ده نفر را بگریاند، بهشت بر او واجب می شود. کسی که شعری بخواند و خود گریه کند و حتی یک نفر را بگریاند، بهشت بر هر دوی آنها واجب است. و هر کس برای حسین علیه السلام بگرید و به اندازه بال مگس اشک از چشمش بیاید، خدا برای او به کمتر از بهشت راضی نمی شود»^۱.

فراز نهم: بدعت‌گذاری در دین

«قَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَشَّتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ... اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةٍ وَ ... وَ بِالْبِرَائَةِ مِمَّنْ أَشَّيَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ ... وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَشَّيَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَ بَنِي عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَ جَزَى فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَيْكُمْ ...»

پس خدا لعنت کند امتی که اساس ظلم و ستم را بر شما اهل بیت بنیان نهاد ... پروردگارا! این روز، روزی است که بنی‌امیه در آن جشن می گرفتند ... من از کسانی که اساس ظلم و ستم را بر شما اهل بیت بنیان نهادند بیزارم ... من به سوی خدا و رسول، از کسانی که اساس و پایه‌ی ظلم و بیاد را بر شما بنا نهادند، بیزار می‌جویم ...

ماهیت بدعت‌گزاران

۱. سگان جهنم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أَهْلُ الْبِدْعِ كِلَابُ أَهْلِ النَّارِ»^۱ بدعت‌گزاران سگان اهل جهنم هستند.

۲. بدترین آفریدگان

قال رسول الله ﷺ: «أَهْلُ الْبِدْعِ شَرُّ الْخَلْقِ»^۱ بدعت گزاران بدترین آفریدگانند.

۳. مخالفان و روی برتافتگان از خدا و رسول

قال امير المؤمنين عليه السلام: «أَمَّا أَهْلُ الْبِدْعَةِ فَالْمُخَالِفُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ لِرَسُولِهِ»^۲ اما بدعت گزاران، همانا روی برتافتگان از دستور خدا و کتاب خدا و رسول اویند.

پیامد بدعت گزاری در دین

۱. عدم پذیرش توبه

قال رسول الله ﷺ: «أَبَى اللَّهُ لِصَاحِبِ الْبِدْعَةِ بِالتَّوْبَةِ»^۳ خداوند از توبه‌ی بدعت گزار ابا دارد.

۲. پذیرفته نشدن اعمال و عبادات

قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ لِصَاحِبِ بَدْعَةٍ صَوْمًا وَ لَصَلَاةً وَ لَحَجًّا وَ لَاعْمُرَةً وَ لَأَجْهَادًا»^۴ خدای بلند مرتبه روزه و نماز و صدقه (زکات) و حج و عمره و جهاد فرد بدعت گزار را نمی پذیرد.

۳. بر عهده گرفتن گناه عمل کنندگان به بدعت

قال رسول الله ﷺ: «إِيَّاكَ أَنْ تَسِنَّ سُنَّةَ بَدْعَةٍ فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَنَّ سُنَّةَ سَيِّئَةٍ لَحِقَهُ وَزُرْهَا وَ وَزُرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا؛ بپرهیز از اینکه سنت جدیدی در دین بگذاری، پس به درستی که هنگامی که بنده سنت ناپسندی را می گذارد، سنگینی

۱. همان، حدیث ۱۰۹۵.

۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۱۶.

۳. کنز العمال، حدیث ۱۱۱۵.

[و گناه] آن بر دوش خودش می افتد و نیز گناه کسانی را که بدان عمل می کنند بر دوش می گیرد»^۱.

۴. دوری رسول خدا ﷺ

قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيَعًا»^۲ هُمْ أَصْحَابُ الْبِدْعِ وَ لَيْسَ لَهُمْ تَوْبَةٌ أَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَ هُمْ مِنِّي بَرَاءٌ؛^۳ پیامبر ﷺ در تفسیر سخن پروردگار که فرمود: «کسانی که دین خود را پراکنده کردند و فرقه فرقه شدند». فرمود: آنان بدعت گزاران هستند. توبه‌ای بر آنان نیست. من از آنها بیزارم و آنان از من دورند.

سه نمونه از بدعت گزاران

۱. بنی امیه و بنی مغیره

قال امير المؤمنين عليه السلام: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَدْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ * جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا وَ يَتَسَاءَلُونَ الْقَرَارُ»^۴ قَالَ هُمَا الْأَفْجَرَانِ مِنْ قُرَيْشِ بَنُو أُمَيَّةَ وَ بَنُو الْمُغِيرَةَ؛^۵ امیرالمؤمنین در تفسیر آیه «آیا به کسانی که شکر نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت در آوردند، ننگریستی؟ [در آن سرای که] جهنم است [و] در آن وارد می شوند و چه بد قرارگاهی است». فرمود: آن دو گروه ستم کارترین گروه در میان قریش یعنی بنی امیه و بنی مغیره هستند.

۲. معاویه

قال الحسن بن علي عليه السلام: «كَانَ يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَةَ عَلَى مِنْبَرٍ فَاقْتُلُوهُ فَمَا فَعَلُوا وَ لَا أَفْلَحُوا»^۶ رسول خدا همواره می فرمود: هرگاه معاویه را

۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۰۴.

۲. کنز العمال، حدیث ۲۹۸۶.

۳. بحار الانوار، ج ۱۲۴، ص ۴۸.

۴. سوره انعام، آیه ۱۵۹.

۵. سوره ابراهیم، آیه ۲۸ و ۲۹.

۶. وقعة صفین، ص ۲۱۶.

بر بالای منبر من دیدید، او را بکشید. اما مردم چنین نکردند و رستگار نشدند».

بدعت بنی امیه در روز عاشورا

۱. روزهی روز عاشورا

جعفر بن عیسی از امام رضا علیه السلام دربارهی روز عاشورا سؤال کرد. امام در پاسخ فرمود: «عَنْ صَوْمِ ابْنِ مَرْجَانَةَ تَسْتَلْبِي؟ ذَلِكَ يَوْمٌ صَامَهُ الْأَدْعِيَاءُ مِنْ آلِ زِيَادٍ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ هُوَ يَوْمٌ يَتَشَاءُ بِهِ آلُ مُحَمَّدٍ وَ يَتَشَاءُ بِهِ أَهْلُ الْإِسْلَامِ وَ يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ يَوْمٌ قَبِضَ اللَّهُ فِيهِ نَبِيَّهُ وَ يَوْمٌ عَاشُورَا قُتِلَ الْحُسَيْنُ علیه السلام وَ تَبَرَّكَ بِهِ ابْنُ مَرْجَانَةَ فَمَنْ صَامَهُمَا أَوْ تَبَرَّكَ بِهِمَا لَقِيَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَسْخُوحَ الْقَلْبِ وَ كَانَ حَشْرَهُ مَعَ الَّذِينَ سَنُوا صَوْمَهُمَا وَ التَّبَرُّكَ بِهِمَا؛ أَيَا از روزه‌ای از من می‌پرسی که پایه گذارش ابن مرجانه بوده است؟! آن روزی است که خطاکاران خاندان زیاد به خاطر [تبرک جستن از] قتل حسین علیه السلام در آن روز روزه می‌گیرند و آن روزی است که خاندان محمد علیه السلام و اهل اسلام در آن روز خوش نمی‌دارند. و روز دوشنبه روزی است که در آن خدا رسول خودش را گرفت (قبض روح کرد) و روز عاشورا روزی است که حسین علیه السلام در آن کشته شد و ابن مرجانه بدان روز تبرک جست. پس هر کس این دو روز را روزه بگیرد یا به آنها تبرک جوید، خدا را در حالت دلمرده شدن ملاقات می‌کند و با همان کسانی که روزه این دو روز و تبرک جویی به آن دو را سنت گذاری کردند محشور می‌نماید»^۱.

۲. شادمانی کردن

قال الرضا علیه السلام: «مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِهِ يَوْمَ عَاشُورَا قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَنْ كَانَ يَوْمَ عَاشُورَا يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَجِهِ وَ سُورِهِ وَ قَرَّتْ بِنَا فِي الْجَنَانِ عَيْنُهُ وَ مَنْ سَمَى يَوْمَ عَاشُورَا يَوْمَ بَرَكَتِهِ وَ ادَّخَرَ فِيهِ لِمَنْزِلِهِ شَيْئًا لَمْ يُبَارِكْ لَهُ فِيهَا ادَّخَرَ وَ حُسْرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ يَزِيدَ وَ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ لَعْنَهُمُ اللَّهُ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ النَّارِ؛ هر کس تلاش برای نیازهایش را در روز عاشورا رها کند، خداوند حاجت‌های دنیایی و اخروی‌اش را برآورده می‌سازد، و هر کس روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه‌اش باشد، خداوند بلند مرتبه و بزرگ روز قیامت را روز شادی و شادمانی او قرار می‌دهد و چشمش به [دیدار] مادر بهشت روشن می‌شود، و هر کس روز عاشورا را روز برکت قرار دهد و برای منزل خود چیزی را ذخیره کند، در آنچه که اندوخته خیری نمی‌یابد و روز قیامت نیز با یزید و عبیدالله بن زیاد و عمر سعد - که لعنت خدا بر آنان باد - در پایین‌ترین درجه جهنم محشور می‌شود»^۱.

۱. الأملی لشیخ الصدوق، مجلس ۲۷، حدیث ۴.

۱. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۴۰.

فراز دهم: شفاعت

«اللَّهُمَّ ارزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ...»
پروردگارا! شفاعت حسین علیه السلام را روزی که نزد تو
وارد می‌شوم، نصیبم بگردان ...

شفیعان کیانند؟

۱. پروردگار

«قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا»^۱ «بگو شفاعت یکسره از آن خداست».

۲. قرآن

قال رسول الله ﷺ: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ شَافِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲ قرآن را بیاموزید،
پس به درستی که قرآن در روز رستاخیز شفاعت کننده است».

۳. انبیاء، علما و شهیدان

قال رسول الله ﷺ: «ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيُشَفَّعُونَ: الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ
الشُّهَدَاءُ»^۳ سه کس در نزد پروردگار بلند مرتبه و سترگ شفاعت می‌کنند و
شفاعت‌شان پذیرفته می‌شود: پیامبران، علما و شهیدان».

۱. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۴۴.

۲. مسند احمد بن حنبل، حدیث ۲۲۲۱۹.

۳. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۴، مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، بیروت، مؤسسه آل‌البیت
لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۱۱، ص ۲۰.

۴. رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ

قال رسول الله ﷺ: «إِنِّي أَسْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَسْفَعُ وَيَسْفَعُ عَلَيَّ فَيُسْفَعُ وَيَسْفَعُ أَهْلُ بَيْتِي فَيُسْفَعُونَ»^۱ به درستی که من روز رستاخیز شفاعت می‌کنم، پس شفاعتم پذیرفته می‌شود و علی ﷺ شفاعت می‌کند و شفاعتش پذیرفته می‌شود و اهل بیتم شفاعت می‌کنند و شفاعتشان پذیرفته می‌شود».

۵. توبه

قال رسول الله ﷺ: «لَا شَفِيعَ أَنْجَحَ مِنَ التَّوْبَةِ»^۲ هیچ شفاعت کننده‌ای مانند توبه رستگار کننده نیست».

۶. عمل صالح

قال امير المؤمنين ﷺ: «شَافِعُ الْخَلْقِ الْعَمَلُ بِالْحَقِّ وَ لُزُومُ الصَّدَقِ»^۳ شفاعت کننده‌ی آفریدگان، عمل به حق و همراهی با راستی است».

شرایط شفاعت

۱. ایمان

قال رسول الله ﷺ: «لَا شَفَعَنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِمَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ جَنَاحٌ بَعُوضَةٍ إِيْمَانٍ»^۴ به طور یقین در روز قیامت من شفاعت کسی را که به اندازه بال پشه‌ای ایمان داشته باشد، می‌نمایم».

۲. اخلاص

قال رسول الله ﷺ: «يَسْفَعُ الْأَنْبِيَاءُ فِي كُلِّ مَنْ كَانَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا»^۵ پیامبران هر که را از روی اخلاص کلمه‌ی توحید را شهادت دهد، شفاعت خواهند کرد».

۱. تفسیر مجمع البیان، فضل بن الحسن الطبرسی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ه.ق.

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۸

ج ۱، ص ۲۲۳.

۳. کنز العمال، حدیث ۳۹۰۴۳.

۴. غرر الحکم، حدیث ۵۷۸۹

۵. همان.

۳. رضایت پروردگار

قال الصادق ﷺ: «إِعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ يُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ شَيْئًا لَا مَلَكَ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَمَنْ سَرَّهُ أَنْ تَنْفَعَهُ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَطْلُبْ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَرْضَى عَنْهُ»^۱ بدانید که احدی از آفریدگان شما را از خدا کفایت نمی‌کند در چیزی؛ نه فرشته مقرب و نه پیامبر فرستاده شده‌ای و نه هیچ کس غیر از آنها. پس هر کس می‌خواهد در نزد خدا از شفاعت شفاعت کنندگان بهره‌مند شود، پس باید در نزد پروردگار رضایت او را جلب نماید».

محرومین از شفاعت

۱. انکار کنندگان معاد

«وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ» * فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ»^۲ و روز جزا را دروغ می‌شمردیم تا مرگ ما در رسید. و شفاعت شفاعت گران آنان را سود نمی‌بخشد».

۲. سبک شمارندگان نماز

قال الصادق ﷺ: «إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَنْ تَنَالَ مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ»^۳ به درستی که شفاعت ما هرگز به کسانی که نماز را سبک می‌شمارند نمی‌رسد».

۳. مشرکان و شکاکان به خدا

قال رسول الله ﷺ: «الشَّفَاعَةُ لَا تَكُونُ لِأَهْلِ الشَّكِّ وَالشَّرْكِ وَلَا لِأَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ بَلْ يَكُونُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ»^۴ نه شفاعتی برای اهل تردید و شرک است و نه برای کافران و انکار کنندگان خدا. بلکه شفاعت برای مؤمنان از اهل توحید است».

۱. الکافی، ج ۸، ص ۱۱

۲. سوره‌ی مدثر، آیه‌ی ۴۶-۴۸.

۳. المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۳.

۴. بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۸

قال امیر المؤمنین علیه السلام: «مَنْ كَذَّبَ بِشَفَاعَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ أَمْرٌ كَسِ شَفَاعَتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَا تَكْذِيبَ كَنْدِ بَدَانِ نَائِلٍ نَخَوَاهُ شَدَّ».

۵. همنشین با ستمگران و غلو کنندگان در دین

قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «رَجُلَانِ لَا تَأْتِلُهُمَا شَفَاعَتِي صَاحِبُ سُلْطَانٍ عُرُوفٍ غَشُومٍ وَ غَالٍ فِي الدِّينِ فَارِقِي؛^۱ دُو كَسِ بَه شَفَاعَتِ مَنْ نَمِي رَسَنَدُ: هَمَنَشِينِ بَادِشَاهِ سَتَمَكِرٍ وَ مَسْتَبِدٍ وَ غَلُو كُنَنَدَهِي دَر دِينِ وَ پِشِي گِیرِنَدَه.»

شیعه، سرمست از بادهی شفاعت

روزی سماعه بن مهران نزد امام صادق نشسته بود و با امام سخن می گفت. امام از او پرسید: «ای سماعه! آیا می دانی بدبخت ترین مردم کیانند؟» سماعه آهی کشید و گفت: «ما هستیم ای فرزند رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» امام به اندازه ای از این گفته او ناراحت شد که چهره مبارکش سرخ گردید. سپس امام تکیه کرد و دوباره سؤالش را تکرار فرمود. سماعه پاسخ داد: «ای فرزند رسول خدا! به خدا سوگند که من بیراه نگفتم. ما در نزد مردم بدبخت ترین هستیم؛ زیرا آنها همواره به ما طعنه می زنند و ما را کافر و رافضی می خوانند.»

امام که متوجه شد سماعه از طعنه های مردم نسبت به شیعیان امام به تنگ آمده است، نگاهی به او انداخت و فرمود: «سخن مردم ملاک نیست. زیرا آن هنگام که شما را به سوی بهشت می برند و آنان را به سوی جهنم رهنمون می شوند، معلوم می شود چه کسی بدبخت است. آن هنگام که شما را حسرت زده نگاه می کنند و می گویند اینان همان کسانی هستند که ما آنها را بدبخت می خواندیم.»

ای سماعه بن مهران! اگر از شما که شیعه ای ما هستید مرتکب خطا شده باشد، ما با گام های خود به سوی پروردگار رفته و شفاعت او را می نماییم و جز اندکی از شما عذاب نخواهند شد. پس کوشش کنید که مجاهده با نفس نمایید و درجات خود را نزد خدا ارتقاء دهید تا ما شفاعت شما را بکنیم و یا آن (شفاعت) داغ بر دل دشمنان خود نهدید.^۱

فاطمه علیها السلام شفیعہ روز جزا

در واپسین روزهای زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، امیر المؤمنین علیه السلام در کنار بستر او بسته ای دید که جنس آن از حریر سبز بود. از فاطمه علیها السلام پرسید: «این چیست؟» فرمود: «در این بسته صفحه ای سفید وجود دارد که چند سطر بر آن نگاشته شده است.» امیر المؤمنین علیه السلام پرسید: «بر آن چه نوشته شده است؟» عرض کرد: «در شب عروسی ام مستمندی درب خانه آمد و تقاضای کمک نمود. من دو لباس داشتم که یکی نو بود و آن را در آن شب پوشیده بودم و دیگری اندکی مستعمل بود. اما من لباس نو را بیرون آوردم و به او دادم و خود جامه ای کهنه را پوشیدم.»

صبح روز بعد پدرم مرا دید و پرسید چرا لباس نوی خود را پوشیده ای؟ عرض کردم: مگر شما نفرمودید هر چه انسان به مستمندان و نیازمندان کمک کند، برای خود ذخیره کرده است؟ من نیز دیشب جامه ای نوی خویش را به فقیری دادم. پدرم فرمود: اگر لباس نو را می پوشیدی و کهنه را به فقیر می دادی برای شوهرت بهتر بود و فقیر نیز به پوشاک می رسید.

گفتم: من این کار را از شما پیروی نمودم؛ زیرا مادرم خدیجه علیها السلام وقتی که به ازدواج شما در آمد، تمام دارایی خود را در اختیار شما

گذاشت و شما همه‌ی آن را در راه خدا صرف کردید تا آنجا که وقتی فقیری از شما پیراهنی خواست، جامه خود را در آوردید و به او دادید و خود را در حصیری پیچیدید و به خانه آمدید. البته کسی به جایگاه شما نمی‌رسد.

پدرم با شنیدن سخن من گریه کرد و مرا به سینه چسباند و فرمود: جبرئیل هم اکنون بر من نازل شد و از جانب پروردگاریه تو سلام رساند و گفت: به فاطمه علیها السلام بگو به خاطر این عملش هر آنچه از ما درخواست کند عطا خواهیم کرد. عرض کردم: پدر! من خواسته‌ای جز ملاقات پروردگار خویش در حال رضایت او از من ندارم. پس پدرم فرمود: دست خود را بلند کن. چون دستانم را بلند کردم، او نیز دست به دعا برداشت، به گونه‌ای که سفیدی زیر بغلش پدیدار شد و فرمود: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأُمَّتِي** من نیز آمین گفتم.

آن گاه جبرئیل دوباره نازل شد و عرض کرد: پروردگار فرمود: کسانی از امت تو که محبت فاطمه علیها السلام و شوهر و فرزندان او را داشته باشند، آمرزیدم. در این هنگام من تقاضای سندی کردم تا در روز قیامت شفاعت امت را بنمایم. جبرئیل نازل شد و حریر سبزی به من داد که در آن بر صفحه‌ای سفید نوشته بود: **كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ**. جبرئیل و میکائیل نیز بر آن شهادت دادند. پدرم آن را به من داد و فرمود: «آن را حفظ کن و در وقت وفات خود سفارش کن آن را با تو در قبر بگذارند. من نیز اکنون می‌خواهم این بسته را در روز قیامت آن لحظه که شعله‌ها زیانه می‌کشند به پدرم بدهم و آنچه را که پروردگار در مورد من وعده نموده درخواست نمایم»^۱.

۱. ریاض‌الشریفة، ج ۱، ص ۱۰۲.

آزمون تستی برای مرور دوباره کتاب

۱. سلام نام کیست؟
 - الف. پروردگار
 - ب. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 - ج. حضرت علی رضی الله عنه
 - د. امام حسن رضی الله عنه و امام حسین رضی الله عنه
۲. سزاوارترین مردم نزد خدا و رسول صلی الله علیه و آله کسی هست که
 - الف. صدقه زیاد دهد
 - ب. به پدر و مادر نیکی کند
 - ج. نماز اول وقت به جا آورد
 - د. ابتدا سلام کند
۳. کدام گزینه از آثار و فواید سلام نیست؟
 - الف. آمرزش و مغفرت الهی
 - ب. خیر و برکت خانه
 - ج. همشینی با پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت
 - د. انس با فرشتگان
۴. کدام گروه از ملعونان هستند؟
 - الف. تأخیراندازان نماز اول وقت
 - ب. عمل‌کنندگان به قوم ابراهیم خلیل
 - ج. الف و ب
 - د. سخن‌چینان
۵. ثواب چه عملی برابر است با ثواب عمل هفتاد پیامبر، هفتاد راستگو، هفتاد شهید و هفتاد عابد که هفتاد سال عبادت کرده باشند؟
 - الف. لمن بردشمنان اهل بیت علیهم السلام
 - ب. دوستی با اهل بیت علیهم السلام
 - ج. زیارت کربلا
 - د. تلاوت زیارت عاشورا
۶. چه کسانی در روز قیامت بهودی محشور می‌شوند؟
 - الف. کسانی که با اهل بیت علیهم السلام دشمنی می‌کنند
 - ب. کسانی که به یاری امام حسین رضی الله عنه نشتافتند
 - ج. کسانی که بر امام حسین رضی الله عنه تیغ کشیدند
 - د. منافقین

۷. در آیه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا» مراد از «الَّذِينَ كَفَرُوا» چه کسانی هستند؟

الف. کافران

ب. مسلمانانی که امام عادل را یاری نکردند

ج. مسلمانانی که ولایت امام جانش را پذیرفتند

د. مسلمانانی که در مقابل ظلم امام جانش ساکتند

۸. دورترین، نزدیکترین و مقرب‌ترین بندگان نزد خدا به ترتیب چه کسانی هستند؟

الف. متکبران - راستگویان - فروتنان

ب. منافقان - فروتنان - مظلومان

ج. ظالمان - بردباران - صالحان

د. حسودان - دانشمندان - خیرخواهان

۹. کدام یک از عوامل تقرب نمی‌باشد؟

الف. امید به مردم

ب. انجام واجبات

ج. گریه از ترس خدا

د. دعا

۱۰. کدام گزینه از صفات دارندگان حیات طیبه است؟

الف. مردم و نفسشان از آنها در آسایش است

ب. چشمشان و دلشان به یاد خدا شاد است

ج. دنیا و آخرت برایشان یکی است

د. همه موارد

۱۱. ثواب زیارت امام حسین علیه السلام چیست؟

الف. همسایه رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام

ب. ایام زیارت جزء عمرش شمرده نمی‌شود

ج. تمام گناهانش آمرزیده می‌شود

د. همه موارد

۱۲. امام صادق علیه السلام فرمود کمی صبر [سب] است.

الف. رسوایی

ب. بی‌دینی

ج. حسادت

د. غیبت

۱۳. امام سجاد علیه السلام فرمود خداوند در بهشت به کسی خانه می‌دهد که

الف. در خانه خود مجلس عزای برای امام حسین علیه السلام بپراکند

ب. با تربت کربلا نماز بخواند

ج. به زیارت امام حسین برود

د. بر حسین علیه السلام گریه کند تا اشک بر گونه او جاری شود

۱۴. کدام گروه سگان اهل جهنم هستند؟

الف. بی‌وفایان

ب. بدعت‌گذاران

ج. بی‌بصیرتان

د. دنیاپرستان

۱۵. صفحه‌ای که حضرت زهرا علیها السلام تقاضا کردند همراهش دفن شود حاوی چیست؟

الف. اسامی قاتل یا قاتلین خود

ب. سند مظلومیت حضرت علی علیه السلام

ج. سند شفاعت محبین آل رسول صلی الله علیه و آله

۱۶. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا بِمَنْ تَنَالَهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَسَعْفِيرَةٌ...» بیان‌کننده کدام یک از فزاهای زیارت عاشورا می‌باشد؟

الف. زیارت

ب. حیات طیبه

ج. صبر بر مصیبت

د. لمن و نفرین



نام و نام خانوادگی:

شاغل در قسمت:

شماره تماس (شماره همراه):

پاسخنامه

شماره	الف	ب	ج	د	شماره	الف	ب	ج	د	شماره
۱					۹					
۲					۱۰					
۳					۱۱					
۴					۱۲					
۵					۱۳					
۶					۱۴					
۷					۱۵					
۸					۱۶					